

کفش آهنین و چوب جادو!

اقدام برای ازدواج



سوالات کلیدی

- فرایند ازدواج شامل چه بخش‌هایی است؟
- چرا دقت در فرایند ازدواج، برای دستیابی به ازدواج موفق ضروری است؟



• موقعیت

بازشدن پرونده ازدواج امید، به همه اهل فضل این اجازه را داده بود که موارد به نظر خودشان مناسب را به مادر شخص موردنظر (امید) معرفی کنند. اما با درایت پدر و مادر آگاه امید، اکثر این پیشنهادها در همان ابتدای طرح، رد می‌شدند. از طرف دیگر، خود جناب داماد با

نگاهی گذرا به دوران دانشگاه، گزینه‌هایی را روی میز خود می‌آورد که همه از خوبان آن دوران بودند. اما بعد از تماس‌های تلفنی با دوستان و بررسی‌هایی در صفحات مجازی، کاشف به عمل می‌آمد که مرغ از قفس پریده و طایر اقبال بر شانه فردی دیگر نشسته است. لذا تنها راه منطقی پیش روی امید، بررسی بهتر گزینه‌های پیشنهادی مادر بود. در این بین یکی از اقوام دور مادر، گزینه‌ای معرفی کرد که روی کاغذ، با ملاک‌های امید متناسب‌تر به نظر می‌رسید، اما به سبب ناآشنا بودن آنها، نیاز به تحقیق و بررسی بیشتری بود. در این مرحله نیز خانواده مذکور، سربلند بیرون آمد و نکته منفی مشکل‌سازی در مورد آنها یافت نشد. ظاهراً کار بالا گرفته بود و طی جلسه‌ای که اعضای خانواده با هم داشتند، تصمیم بر این شد که با تماس تلفنی، طرف مقابل را از نیت خودشان آگاه کنند.

احتمالاً هیچ کدام از ما درک نخواهیم کرد که برقراری چنین تماسی چه فشاری بر مادر می‌آورد، اما مادر امید بالاخره بر خودش مسلط شد و این کار را به خوبی انجام داد. به گونه‌ای که حتی برخی سؤال‌ها و ابهام‌هایی که در جریان تحقیقات اولیه پیش آمده بودند هم برطرف شدند. نتیجه تماس این بود که مادر عروس احتمالی، فرصتی خواست تا بعد از مطرح کردن موضوع با همسر و دخترش، تصمیم بگیرند. قرار شد سه روز بعد مادر امید تماس بگیرد و نظر خانواده دخترخانم را جویا شود و بالاخره این کار صورت گرفت.

مریم (با نگرانی): چی شد مامان؟

امید که گونه‌هایش سرخ شده بود، چشم به دهان مادر دوخت!

مادر: گفتند سه‌شنبه تشریف بیارین.

امیر: لا لا لا لا، همدیگه رو پسندیدن!

امید (در حالی که تلاش می‌کرد ذوق زدگی‌اش را پنهان کند): برو بابا، هنوز ندیدمش که. بذار یه جلسه باهاش حرف بزیم، ببینم اصلاً به درد

من می‌خوره یا نه، بعداً دادار دودور راه بنداز!

امیر: عزیز من قیافت تابلوئه که تو همون جلسه اول خواستگاری میگی نیمه گمشدم رو پیدا کردم. اصلاً به نظر من این خواستگاری و مراسم همش الکیه. فقط وقت‌کشیه. مثل این بازیکن‌های فوتبال می‌مونه که جلو می‌افتن و بعدش الکی خودشونو می‌زنن زمین!

پدر : این امیر نگران خودشه که ازدواجش دیر نشه.
امیر: نه بابا جدی میگم. حالا شاید بشه یه وقتیایی خواستگاری رو توجیه کرد، اما خداییش شماها می‌تونین یه دلیل منطقی برای این همه مراسم بیخودی که قبل از ازدواج هست، بیارین؟ فقط کشش میدن تا دوتا جوون دیرتر برن سر خونه و زندگیشون.
مریم: اصلاً همچین چیزی نیست. این مراسم‌ها خیلی هم لازمه.
مادر (در حالی که حرف پدر را تأیید می‌کرد، با صدای آرام و در گوش پدر) : به دلم افتاده همین می‌شه!
پدر: ان‌شاءالله که هرچی خیر و صلاحه، پیش بیاد!

گفت‌وگو در کلاس



۱. مرحله‌هایی که امید و خانواده‌اش، قبل از جلسه خواستگاری طی کردند، چه بودند و چه ضرورتی داشتند؟
۲. دلیل برگزاری جلسه خواستگاری چیست؟ امید در این جلسه باید به چه مسائلی توجه و چه سؤال‌هایی را مطرح کند؟
۳. شیوه‌ای که در داستان آمده، یکی از روش‌های مرسوم آغاز اقدام برای ازدواج است. چه شیوه‌های دیگری در منطقه شما برای شروع فرایند ازدواج مرسوم است؟ مزیت‌ها و عیب‌های این شیوه‌ها کدام‌اند؟

طرح مسئله



در درس‌های گذشته مرحله‌هایی را که افراد باید پیش از ازدواج طی کنند، بررسی کردیم. برای مثال، به این نتیجه رسیدیم که در «دوران پیش از ازدواج» دستیابی به شناخت خود، اصلاح روابط موجود با اعضای خانواده، دستیابی به شایستگی‌های لازم و تعیین ملاک‌های عاقلانه برای انتخاب همسر، نقش بسزایی در موفقیت ازدواج آینده ایفا می‌کنند. اما تمام این مرحله‌ها مقدمه‌ای بودند برای آنچه در این درس بررسی می‌کنیم. سؤالی که برای بسیاری از جوانان در

آستانه ازدواج پیش می‌آید این است که: چگونه باید فرد موردنظر را پیدا کنیم؟ اصلاً روش درست مطرح کردن درخواست ازدواج چیست؟

شاید بعضی اوقات فکر کنیم که ازدواج شبیه چیزی است که در برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌بینیم. پسر و دختری یکدیگر را می‌بینند، و شیفته هم می‌شوند و بعد از چند دردسر و ماجرا، پسر به خواستگاری می‌رود و ازدواج می‌کنند. یا آن‌گونه که در افسانه‌های قدیمی هست، پسر با کفش آهنی و چوب جادو به راه می‌افتد و از صحراها و دریاها می‌گذرد تا دختر دلخواهش را پیدا کند. مشکل معمولاً وقتی پیش می‌آید که دختر و پسر با این تصور، در موقعیت‌های واقعی زندگی قرار می‌گیرند و تصمیم به ازدواج می‌گیرند. این تازه اول ماجراست و هرچه می‌گذرد بیشتر متوجه می‌شوند که آنچه در فیلم‌ها دیده و در داستان‌ها خوانده بودند، ربطی به واقعیت ندارد. در این بخش درباره فرایند ازدواج گفت‌وگو خواهیم کرد که به چند مرحله اصلی تقسیم می‌شود.

مرحله‌های ازدواج:

- بررسی و انتخاب اولیه؛
- خواستگاری و دوران آشنایی؛
- دوران نامزدی و عقد؛
- شروع زندگی مشترک.

در ادامه به بررسی بیشتر هر یک از این مراحل خواهیم پرداخت.

نکته



همچنان که نباید در فرایند ازدواج عجولانه عمل کرد، طولانی شدن بیش از حد این مرحله‌ها هم مشکل‌ساز است و در بسیاری موارد زمینه‌ساز ایجاد تنش‌هایی میان دختر و پسر و خانواده‌های آنها می‌شود.

گام اول: بررسی و انتخاب اولیه: هر فرد ممکن است گزینه‌های مختلفی برای ازدواج در نظر داشته باشد. پسر و دختری که برای ازدواج با هم آشنا می‌شوند، ممکن است آشنایان خانوادگی باشند، یا غریبه باشند و از طریق یک آشنای مشترک به هم معرفی شده باشند، یا اینکه

خودشان با هم آشنا شده باشند. در تمام این موارد، بررسی اولیه‌ی گزینه‌ها بر مبنای ملاک‌های انتخاب همسر ضرورت دارد. بسیار مهم است که قبل از خواستگاری و طرح موضوع با دختر و خانواده‌اش، به بررسی این موضوع بپردازید که او تا چه میزان با ملاک‌های شما هماهنگی دارد. البته این یک بررسی ابتدایی است و بسیاری از جزئیات در مرحله‌های بعدی مشخص می‌شوند. بهتر است زمانی برای خواستگاری اقدام کنید که در بررسی‌های اولیه، شواهد کافی برای تناسب خانواده‌ها و ویژگی‌های مناسب برای ازدواج را در آن فرد، پیدا کرده باشید.

گفت و گو در کلاس



یکی از موضوع‌هایی که برخی از خانواده‌ها با آن درگیرند، رفتن به خواستگاری‌های مکرری است که بدون بررسی اولیه انجام می‌شوند. به نظر شما دلیل این اشتباه چیست و چه آسیب‌هایی را می‌تواند در پی داشته باشد؟

گام دوم: خواستگاری و دوران آشنایی: بعد از اینکه در بررسی‌های اولیه و مشورت با خانواده‌تان در مورد یک نفر به این جمع‌بندی رسیدید که او احتمالاً گزینه‌ی مناسبی برای ازدواج است، گام بعدی خواستگاری است. هدف از خواستگاری طرح موضوع با طرف مقابل و خانواده‌ی وی است. در این مرحله امکان شناخت متقابل و بیشتر طرفین و خانواده‌ها فراهم می‌آید. اما علت تأکید پیش از حد بر شناخت خانواده‌ها آن است که در فرهنگ ما، ازدواج موجب خویشاوندی و ارتباط نزدیک میان دو خانواده می‌شود و تصمیمی نیست که صرفاً در زندگی دونفر تأثیر داشته باشد. به علاوه غالباً خصوصیات خانواده نمایانگر ویژگی‌های اصلی و عمیق فرد هستند.

برای خواستگاری معمولاً یک نفر واسطه و یا یکی از والدین پسر، موضوع را با خانواده‌ی دختر مطرح می‌کند. در صورتی که خانواده‌ها با هم آشنایی قبلی نداشته باشند، در همین تماس اولیه می‌توانند اطلاعاتی درباره‌ی خانواده و فرزندشان رد و بدل کنند. ممکن است در این مرحله خانواده‌ی دختر به هر دلیلی، از جمله نداشتن آمادگی یا موافق نبودن فرزندشان برای ازدواج، یا نبود یکی از ملاک‌های مدنظرشان در پسر، پاسخ منفی بدهد. در صورتی که دختر و خانواده‌ی او اجازه دادند، قراری برای جلسه‌ی خواستگاری بین دو خانواده گذاشته می‌شود.

جلسات خواستگاری بسته به نیاز طرفین به شناخت بیشتر و متناسب با عرف خانواده‌ها، تداوم می‌یابد و همراه با یک دوره محدود آشنایی اولیه برای دختر و پسر است. در این مرحله، زوج احتمالی آینده با نظارت خانواده‌هایشان، از طریق گفت‌وگو و ارزیابی رفتارهای یکدیگر می‌کوشند به شناختی دقیق‌تر از اخلاق و باورهای طرف مقابل و خانواده‌اش دست یابند. صورتی که دو طرف در این مرحله ارزیابی مثبتی از هم داشتند و به توافق رسیدند، وارد دوران نامزدی و عقد می‌شوند.

این مرحله فرصت مناسبی است که شما شرایط مطلوب خود را برای ازدواج با طرف مقابل در میان بگذارید و نظرات او را نیز جویا شوید؛ شرایطی از قبیل: ادامه تحصیل، اشتغال و زمان فرزندآوری و تعداد آن. طبیعتاً ممکن است طرف مقابل همه شرایط شما را نپذیرد که در این صورت باید به شکل واقع‌بینانه، میزان توافق یا اختلاف را در نظر بگیرید و براساس آن و با مشورت، تصمیمی آگاهانه بگیرید.

گفت و گو در کلاس



باتوجه به ملاک‌ها و سایر موارد گفته شده برای ازدواج موفق، در جلسه خواستگاری، چه سؤال‌هایی را می‌پرسید و چه مواردی را مدنظر قرار می‌دهید؟ برای دسته‌بندی بهتر، جدول زیر را کامل کنید.

حوزه	زمینه مورد سؤال
شخصیت	تا به حال چه موفقیت‌هایی داشته است؟ چه مسئولیت‌هایی به عهده اوست؟
دینداری و پاکدامنی	نوع روابطش با جنس مقابل در محل کار یا جامعه چگونه است؟ تقید او به دستورات دینی چه میزان است؟
خانوادگی	نوع روابط افراد خانواده باهم، چگونه است؟ سبک زندگی خانواده از نظر اقتصادی و فرهنگی چگونه است؟
اجتماعی	نوع روابطش با دوستانش چطور است؟ چند دوست صمیمی دارد؟

گام سوم: دوران نامزدی و عقد: دوران نامزدی برای آشنایی بیشتر پسر و دختر است و طول مدت آن را عرف خانواده‌ها و شرایط طرفین تعیین می‌کند. در مورد زوج‌هایی که با هم آشنایی کافی ندارند، بهتر است دوران نامزدی طولانی‌تر شود تا پسر و دختر بتوانند تحت نظارت خانواده‌ها با رفت و آمد بیشتر، به شناخت بهتری برای انتخاب برسند. به منظور رعایت حدود شرعی، در دوران نامزدی صیغهٔ محرمیت موقت بین زوج جاری می‌شود. اما باید توجه داشته باشید که این دوران برای آشنایی و انتخاب آگاهانه است. بنابراین همچنان باید رابطهٔ خود را به ارتباط کلامی محدود کنید تا در تصمیم‌گیری کمتر تحت تأثیر هیجان‌ها قرار بگیرید و در صورتی که متوجه شدید فرد مقابل انتخاب مناسبی برای شما نیست، رد کردن ازدواج برایتان ساده‌تر باشد.

در دوران عقد – که بعد از جاری‌شدن صیغهٔ عقد دائم شروع می‌شود – دختر و پسر از نظر شرعی و قانونی ازدواج کرده‌اند، اما هنوز با هم و به اصطلاح زیر یک سقف زندگی نمی‌کنند. در این دوره دختر و پسر و خانواده‌هایشان، زمینه‌های لازم را برای شروع زندگی مشترک و مستقل فراهم می‌کنند.

گام چهارم: شروع زندگی مشترک: گفتیم که پس از جاری‌شدن خطبهٔ عقد بین دختر و پسر، آنها زن و شوهر محسوب می‌شوند. اما زندگی مشترک آنها عملاً از زمانی که زوج جوان در یک خانه ساکن می‌شوند و با هم زندگی می‌کنند، شروع می‌شود. معمولاً برای شروع این مرحله، مراسم جشن عروسی برگزار می‌شود و با دعوت از بستگان و دوستان، آغاز زندگی مشترک زوج رسمیت می‌یابد و به اطلاع همه می‌رسد. در این مرحله است که خانوادهٔ جدید شکل می‌گیرد و دو نفر به طور کامل نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید خود را بر عهده می‌گیرند. دربارهٔ این مرحله در درس‌های بعدی به تفصیل سخن خواهیم گفت.



دو نمونه‌ای که در این فعالیت آورده شده است، برگرفته از موارد واقعی هستند که نام‌ها در آنها تغییر یافته است. پس از مطالعه این بخش درباره سؤال‌هایی که در ادامه آمده‌اند، در گروه گفت‌وگو کنید و نتیجه را با کلاس در میان بگذارید.

مورد اول: مهدیه در خانواده‌ای بزرگ شده است که به نظم و وقت اهمیت بسیاری می‌دهند. آنها اغلب کارهای روزمره، مانند نهار و شام و خواب را سر ساعت و با نظم و ترتیب معینی انجام می‌دهند؛ مثلاً سعی می‌کنند، مهمانی‌هایشان را اوایل شب خاتمه دهند تا برای بیدار شدن در صبح، دچار مشکل نشوند. چراکه پدر و مادرش نسبت به قراردایی که در طول روز تنظیم می‌کنند، بسیار متعهد و پایبند هستند. اما همسر وی محمدرضا، در خانواده‌ای رشد یافته که اصولاً با مفاهیمی همچون زمان و وقت‌شناسی بیگانه‌اند. دوره‌می‌های خانوادگی آنها معمولاً از اواخر شب آغاز می‌شود و تا نزدیک صبح به طول می‌انجامد و تازه نیمه شب به فکر تهیه شام می‌افتند. این موضوع به شدت مهدیه را دچار مشکل کرده است. چراکه او معلم است و صبح‌ها باید به موقع در کلاس درس حاضر شود. درحالی که محمدرضا با اینکه خودش نیز کارمند است، به این تأخیرها عادت دارد. او حاضر نیست از شرکت در این دوره‌می‌ها اجتناب کند یا بپذیرد که آنها می‌توانند مهمانی را زودتر از بقیه اقوام ترک کنند.

همین مسئله به ظاهر بسیار جزئی و پیش پا افتاده، موجب کشمکش میان این زن و شوهر شده است. البته مهدیه از دوران عقد از این عادت خانواده همسرش آگاهی داشت، اما فکر نمی‌کرد که این موضوع تا این حد در زندگی مشترکشان تأثیر منفی بگذارد. از این رو نسبت به آن بی‌تفاوت بود. درحالی که پس از ازدواج این موضوع به معضلی اساسی برای آنها تبدیل شده است.

مورد دوم: محسن و شیرین پس از طی یک سال دوران نامزدی و عقد، به تازگی زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند. شیرین دانشجوی سال آخر رشته منابع طبیعی و محسن دانشجوی سال اول کارشناسی ارشد رشته اقتصاد است. هر دو هم در یک دانشگاه مشغول به تحصیل‌اند. در دوران عقد، گاهی پیش می‌آمد که این دو با یکدیگر در مورد نوع پوشش و حجاب بگو مگو کنند، اما به خاطر ماهیت این دوران و جذابیت‌های آن، اختلاف‌نظرهای خود را خیلی جدی نمی‌گرفتند، و قضیه را هر طور که بود، بین خود حل و فصل می‌کردند.

این اختلاف پس از ازدواج و خصوصاً هنگام دعوت به مهمانی‌های فامیلی بسیار شدت گرفت، تا جایی که حتی پای خانواده‌هایشان هم به میان کشیده شد و روی جزئی‌ترین مسائل زندگی‌شان هم تأثیر منفی گذاشت. به طوری که در مورد مسائل روزمره که تا قبل از آن با هم اتفاق نظر داشتند، نزاع و درگیری پیدا کردند. در واقع مسئله نوع پوشش برای هردوی آنها جزو ملاک‌های اصلی بود، اما پیش از ازدواج به آن توجه نکرده بودند. در نتیجه چون هردوی آنها در مورد این موضوع حساسیت داشتند، دچار اختلاف و کشمکش‌های جدی شدند.

با توجه به دو مثال قبل به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

۱. به نظر شما نادیده گرفتن چه عواملی باعث بروز این مشکلات شده است؟
 ۲. پی بردن به این عوامل از چه راه‌هایی و در چه دورانی از فرایند ازدواج ممکن است؟
 ۳. آیا همه این نوع موارد قبل از ازدواج قابل حل هستند یا برای برخی باید بعد از ازدواج چاره اندیشید؟
- (درباره پاسخ سؤال سه در درس‌های شانزدهم و هفدهم بیشتر خواهیم آموخت.)

جمع‌بندی



چنان که پیش از این گفتیم، ازدواج تنها پیوندی عاطفی میان دو نفر نیست، بلکه یک تعهد اجتماعی است که بخشی از آن میان همسران و بخشی دیگر در رابطه با اطرافیان و اجتماع شکل می‌گیرد. بر این اساس، در هر جامعه و فرهنگی برای شروع زندگی مشترک مراحل وجود دارد که توجه به این مراحل در تثبیت و موفقیت ازدواج نقش مهمی دارد.

در عین حال باید در نظر داشت که ازدواج کردن ذاتاً موضوعی پیچیده و دشوار نیست. بنابراین مرحله‌های متفاوت ازدواج نباید به مجموعه‌ای از تجملات و تشریفات غیرضروری تبدیل شوند، بلکه باید با دقت در کارکرد و هدف‌های اصلی این مرحله‌ها - که در جهت تحکیم ازدواج است - در پی دستیابی به هدف اصلی، یعنی ازدواج موفق بود.

در این باره در درس بعدی و همچنین درس پانزدهم سخن خواهیم گفت.



سوالاتی برای تفکر بیشتر

چگونه می‌توانید ضمن احترام به آداب و رسوم و همچنین استفاده مناسب از فرایند ازدواج برای شناخت طرف مقابل، از سخت‌شدن ازدواج یا طولانی‌شدن بیش از حد فرایند آن جلوگیری کنید؟

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل!

اصول حاکم بر فرایند ازدواج



سوالات کلیدی

- صرف نظر از تفاوت آداب ازدواج در فرهنگ‌ها و حتی خانواده‌های مختلف، رعایت چه اصول مشترکی برای موفقیت در فرایند ازدواج لازم است؟
- رعایت کردن و یارعیات نکردن این اصول چه پیامدهایی دارد؟
- برای شناخت بهتر طرف مقابل در فرایند ازدواج، به چه موضوع‌هایی باید توجه کنیم و چه راه‌هایی برای این کار وجود دارند؟



• موقعیت

علیرضا در یک جلسه مشاوره مسئله‌اش را این طور مطرح می‌کند:
«من و فاطمه یک اشتباه بزرگ کردیم: ما همیشه فکر می‌کردیم دوران نامزدی بهترین دوران زندگی مشترک است. دائماً از این و آن می‌شنیدیم که تا می‌توانید از این دوران لذت ببرید. حتی یک روز یکی

از دوستان متأهلم به من گفت: تو چرا آنقدر کم خوش می گذرانی؟ تا می توانی با نامزدت خوش باش. بعداً حسرت این روزها را خواهی خورد. این قبیل توصیه ها، من و فاطمه را مجاب کرده بود که باید در این دوران تلاش کنیم شرایطی را فراهم کنیم که فقط به ما خوش بگذرد. گاهی در جریان گفت و گوهایمان سر نخ هایی از تفاوت های عمده شخصیتی ما به دست می آمد، اما برای اینکه فضای تفریح و خوشی به هم نریزد، سریع از آن عبور می کردیم. در حالی که اگر همان ها را پی می گرفتیم، بسیاری از مشکلاتی که امروز با آنها دست و پنجه نرم می کنیم، قابل پیش بینی بودند و شاید اصلاً باهم ازدواج نمی کردیم یا از ابتدای زندگی برنامه بهتری برای سازگار شدن داشتیم.»

گفت و گو در کلاس



۱. با توجه به مورد علیرضا، به نظر شما هدف از طی کردن دوران آشنایی پیش از ازدواج (دوران نامزدی یا عقد) چیست؟
۲. چه مانع هایی ممکن است در مسیر دستیابی به این هدف وجود داشته باشد؟

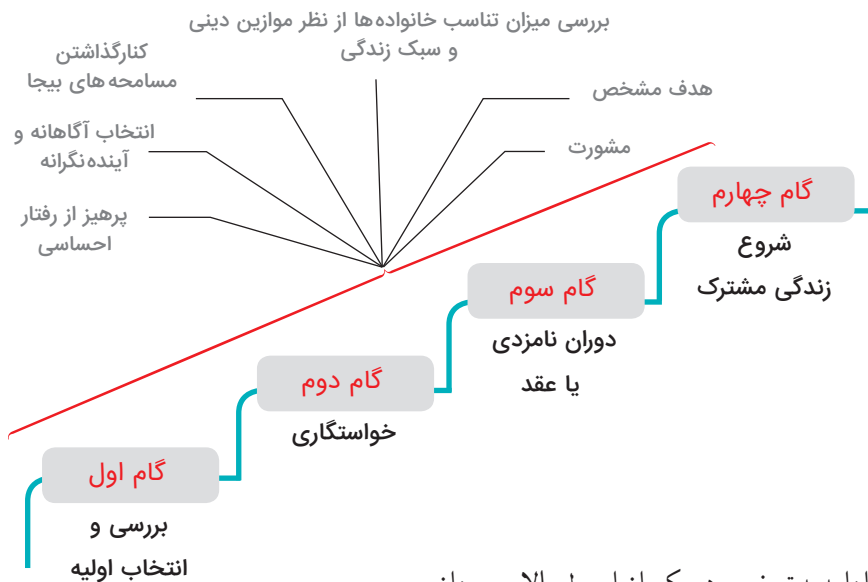
طرح مسئله



در درس گذشته درباره فرایند ازدواج و گام های آن صحبت کردیم و گفتیم که این فرایند معمولاً شامل چه مرحله هایی است. ویژگی ها و نحوه اجرای هر یک از این مرحله ها با توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی هر خانواده و منطقه متفاوت است. گاه ممکن است دو مرحله در هم ادغام شوند یا یک مرحله بسیار کوتاه باشد. اما نباید فراموش کرد که هدف اصلی در این فرایند، شناخت طرف مقابل و ایجاد زمینه برای ازدواج موفق است. بر این اساس، با وجود تفاوت های این مرحله ها برای افراد و شرایط گوناگون، می توان اصول مشخصی را بیان کرد که پیروی از آنها ما را در رسیدن به نتیجه مطلوب کمک می کند. از این اصول به عنوان اصول موفقیت در فرایند ازدواج یاد می کنیم.

اصول موفقیت در فرایند ازدواج:

۱. داشتن هدفی روشن در هر مرحله و درگیر نشدن بیش از حد با ظواهر و مسائل سطحی؛
 ۲. انتخاب آگاهانه و آینده‌نگرانه: پرهیز از ایجاد وابستگی شدید به منظور پرهیز از تصمیم‌گیری احساسی - عاطفی؛
 ۳. بهره‌بردن از مشاوره و مشورت با افراد معتقد و با تجربه؛
 ۴. بررسی میزان تناسب خانواده‌ها از نظر موازین دینی، سبک زندگی و آداب و رسوم آنها؛
 ۵. پرهیز از رفتارهای احساسی و هیجانی؛
 ۶. صراحت با خود و طرف مقابل، کنار گذاشتن رودربایستی و مسامحه بیجا در بیان نظرات خود؛
 ۷. داشتن صبر و تحمل؛
 ۸. ایثار و گذشت؛
 ۹. تواضع و دوری از غرور؛
 ۱۰. حق‌بینی و احترام به طرف مقابل.
- این اصول بر همهٔ مراحل فرایند ازدواج تا شروع زندگی مشترک حاکم هستند. برای درک بهتر موضوع به شکل زیر دقت کنید:



در ادامه به توضیح هر یک از اصول بالا می‌پردازیم.

۱. هدف روشن در هر گام

برای اینکه بدانیم در هر گام به دنبال چه چیزی هستیم، بهتر است از آخرین مرحله، یعنی زندگی مشترک شروع کنیم. جا دارد هریک از ما از خود پرسیم: «من برای چه ازدواج می‌کنم و در ازدواج به دنبال چه چیزی هستم؟» اگر جواب‌های معقول و منطقی برای این سؤال یافتیم، باید متناسب با آنها هدف‌های گام‌های دیگر را مشخص کنیم. مثلاً: «در دوران آشنایی به دنبال چه ویژگی‌هایی باید باشیم؟» یا: «چه سؤال‌هایی را باید در جلسه‌خواستگاری پرسیم؟» روشن و دقیق بودن جواب این سؤال‌ها و مکتوب کردن آنها می‌تواند ما را از سردرگمی و اتلاف وقت در هر مرحله نجات دهد. نمونه‌علیرضا در آغاز این درس مثال خوبی از مشکلاتی است که امکان دارد در صورت توجه نکردن به هدف اصلی هر مرحله از فرایند ازدواج دچارش شویم. مثال زیر هم نوع دیگری از این مشکل را نشان می‌دهد.

طرح یک مورد: متین و تردیدهایش

متین از دوران نوجوانی به خوبی یاد گرفته بود مشورت کند و همیشه از نتایج خوب این کار راضی بود. در آغاز مسیر ازدواج نیز از این عادت پیروی کرد و به سبب اهمیت موضوع که تمام آینده‌اش را تحت تأثیر قرار می‌داد، دامنه‌ مشورت‌های خود را بسیار گسترده کرد. اما در این موضوع دچار افراط شد. به طوری که تقریباً از هر شخصی که می‌شناخت، نظراتش را درباره‌ این موضوع جویا شده بود. فارغ از اینکه هدف‌ها، و ملاک‌ها و سلیقه‌های او و شخصی که با وی مشورت می‌کند مشترک هستند یا نه. حاصل این مشورت مجموعه‌ سؤال‌هایی بود که باید در جلسه‌خواستگاری می‌پرسید. سؤال‌هایی که تعدادش از صد گذشته بود. اما بعد از رفتن به بیش از ۳۰ مورد خواستگاری، به شدت مأیوس و نگران بود که چرا موردی را که با او متناسب بود، پیدا نمی‌کرد. این حس تأثیر منفی جدی نیز بر روابطش با خانواده‌ خودش گذاشته بود. او حس می‌کرد، مواردی که مادرش به او معرفی می‌کند، از سوی پدرش تحمیل می‌شود، برای همین هم نمی‌تواند به گزینه‌ مطلوب خودش برسد. از این رو، با پدر و مادرش اختلاف پیدا کرده بود.

اما بعد از اولین جلسه مشاوره راه حل مسئله پیدا شد. در واقع، مشکل، خود متین بود. چرا که ملاک‌ها و اولویت‌های خودش را در گزینش همسر مشخص نکرده بود و سؤال‌هایی که در جلسه خواستگاری می‌پرسید، هیچ وحدت رویه‌ای نداشتند. هم او را سردرگم می‌کردند و هم طرف مقابل را مجاب می‌کردند که متین هیچ هدف مشخصی ندارد.

گفت و گو در کلاس



به نظر شما چه اشتباهاتی در دیدگاه متین نسبت به ازدواج وجود داشته که او را دچار چنین مشکلی کرده است؟

۲. انتخاب آگاهانه و آینده‌نگرانه

در مرحله انتخاب اولیه باید مراقب دو موضوع باشیم: اول، تلاش برای تشخیص دقیق ملاک‌های موردنظر در طرف مقابل و دوری از تصمیم‌های احساسی، غیرواقعی یا حتی منفعت‌طلبانه. تحقیقات نشان می‌دهند که در بسیاری از ازدواج‌های ناموفق، افراد در مرحله انتخاب اولیه، از اهمیت توجه به ملاک‌ها غفلت کرده‌اند و در ادامه به خاطر غلبه احساسات یا به خاطر منافع ظاهری و کوتاه‌مدت، وارد ازدواجی ناموفق شده‌اند. هرگز نباید فراموش کنیم که در کل فرایند ازدواج، مادر حال ارزیابی طرف مقابل هستیم و باید در انتخاب نهایی خود به شیوه و نتایج این ارزیابی‌ها توجه کنیم. دومین موضوع، آینده‌نگری و توجه به پیامدهای بلندمدت ازدواج است. در بحث پیامدهای



انتخاب آموختید که آثار کوتاه‌مدت انتخاب با آثار بلندمدت آن متفاوت است. در انتخاب همسر باید به ویژگی‌هایی که در بلندمدت اثر بیشتری دارند، توجه بیشتری نشان داد؛ مثلاً تناسب نداشتن دیدگاه‌های اقتصادی دو نفر و نقشی که این جنبه در زندگی هر دو نفر دارد، موضوعی است که ممکن است در کوتاه‌مدت قابل چشم‌پوشی باشد، اما هرچه از ازدواج می‌گذرد، اهمیت این موضوع آشکارتر خواهد شد. در واقع بعضی موضوع‌ها مانند ریشه هستند و بعضی مانند برگ‌های درخت. هرچند برگ‌ها بیشتر به

چشم می‌آیند، اما ریشه است که هویت و اصل درخت را تشکیل می‌دهد. در مورد پارسا و هستی می‌توانید جنبه‌ای از این آثار بلندمدت را دریابید.

طرح یک مورد: پارسا و هستی

در دوران دانشجویی، برای ازدواج پارسا گزینه‌های متعددی پیشنهاد شده بود، اما او بعد از اینکه متوجه تمکن مالی خانواده هستی شد، ناخودآگاه به او علاقه بیشتری پیدا کرد. تحت تأثیر همین موضوع، بسیاری از معیارهایی که از قبل برای همسر آینده‌اش در نظر گرفته بود، رنگ باخت و بالاخره بعد از اتمام سال آخر دانشگاه، با هستی ازدواج کرد. البته پارسا هرگز صرفاً به خاطر سطح رفاه اقتصادی بالای هستی و خانواده‌اش با وی ازدواج نکرده بود و واقعاً هستی را دوست داشت. اما در پس افکار خود همیشه به این فکر می‌کرد که اگر نتوانست برای زندگی آینده‌اش خانه‌ای تهیه کند، یقیناً پدر هستی این کار را خواهد کرد. اتفاقاً همین‌طور هم شد. بعد از یک مدت زندگی مشترک در یک خانه کوچک اجاره‌ای در یکی از محله‌های بسیار قدیمی شهر، پدر هستی خانه‌ای در یکی از مناطق خوب شهر برای دخترش تهیه کرد. بعد از این اتفاق که برای پارسا نیز قابل پیش‌بینی و خوشایند بود، اختلاف‌های این زوج جوان بالا گرفت. پارسا معتقد بود که دیگر هستی مثل گذشته به او مانند یک مرد ایده‌آل و توانمند نگاه نمی‌کند و حرف‌های او را نمی‌پذیرد. او انتظار احترام بیشتری از همسرش داشت. این موضوع‌ها شدیداً پارسا و هستی را می‌رنجانند و روابط بین آنها بسیار سرد شده بود. اما در نهایت در جلسه‌ای که پارسا با مشاور خانواده داشت، مشخص شد که دلیل اصلی این مشکلات، تکیه کردن پارسا به توان مالی خانواده همسرش بود که با باور خودش از نقش مرد در خانواده در تضاد قرار داشت.

۳. مشاورت و مشاوره

ضرورت مشاورت در مورد موضوع‌های مهم زندگی و به خصوص مسئله ازدواج، امری بدیهی است، اما در مشاورت گرفتن توجه به چند نکته مهم ضروری است:

الف) مسئولیت انتخاب و تصمیم‌گیری در زندگی به عهده خود شماست. مشاور یا فردی که با او مشاورت می‌کنید، نمی‌تواند به جای شما تصمیم بگیرد.

ب) مشاور خوب نگاه شما را نسبت به مسئله وسعت می‌بخشد و کمک می‌کند شما به جوانب بیشتری از مسئله توجه کنید و در نتیجه تصمیم بهتری بگیرید. مشاور نباید نظرات خودش را به

شما تحمیل کند یا آن قدر شما را با طرح مسائل مختلف سردرگم کند که مانند مورد متین ذهنتان آشفته شود و توان تصمیم‌گیری را از دست بدهید.

پ) مشاور خوب فردی است که می‌کوشد شرایط شما را درک کند و متناسب با آن پیشنهادهایی را مطرح سازد، نه اینکه صرفاً براساس پیش‌فرض‌های خودش نظر بدهد.

ت) مشورت در صورتی مؤثر و مفید واقع خواهد شد که مشاور دانش و تجربه کافی در مورد مسئله ازدواج داشته باشد. کمک گرفتن از مشاوران متخصص و قابل اعتماد یکی از بهترین راه‌ها در این زمینه است.

برخی از ویژگی‌های یک مشاور خوب ازدواج:

● عدالت و بی‌طرفی

● متخصص و با تجربه
در موضوع مشاوره ازدواج

● دارای اعتقادات دینی و
مذهبی صحیح



● قابل اعتماد و
راز نگه‌دار

● آشنا با فرهنگ
اسلامی - ایرانی

● آگاه از شرایط روز و
آشنا با نسل جوان

۴. بررسی میزان تناسب خانواده‌ها

خانواده‌ای که فرد سال‌ها با ایشان زیسته و در کنارشان رشد یافته است، نقش غیرقابل انکاری در شکل‌گیری عمیق‌ترین لایه‌های شخصیت او دارند. لایه‌هایی که هرچند ممکن است مدتی به واسطه پیروی از دیگران یا تحت تأثیر جو اطرافیان فرد، خود را نشان ندهند و پنهان باشند، اما بعداً آشکار شده و بنیان روابط او با دیگران را شکل می‌دهند. از این‌رو بی‌توجهی به وضعیت

خانواده طرف مقابل، چه از حیث اعتقادی و فکری و چه از حیث رفتار و سلوک، اشتباهی بزرگ است. هر یک از مرحله‌های فرایند ازدواج فرصت‌های خوبی برای شناخت خانواده طرف مقابل و ویژگی‌های آنها در اختیار ما قرار می‌دهد. پس باید به این موضوع توجه کافی داشته باشیم.

نکته دیگر اینکه حتی اگر هماهنگی و تناسب کافی بین خانواده‌های طرفین وجود داشته باشد، از آنجا که دختر و پسر هریک در فرهنگ و سبک زندگی متفاوتی رشد کرده‌اند، لذا برای افزایش موفقیت در ازدواج لازم است، هر دو طرف برای رسیدن به سازگاری و هماهنگی بیشتر با سنت‌ها و فرهنگ خانواده مقابل تلاش کنند. کمک طرفین به یکدیگر، برای شناختن و پذیرش این آداب و سنن، تأثیر بسزایی در موفقیت ازدواج خواهد داشت. عروس که از آداب و رسوم و فرهنگ خانواده خودش آگاه است، باید به همسرش در این زمینه یاری دهد. متقابلاً داماد باید به همسرش کمک کند، تا با آگاهی از فرهنگ خانواده‌اش، بتواند هرچه بهتر با آنها سازگار شود. در واقع، علاوه بر لزوم تناسب اولیه میان خانواده‌ها، لازم است هریک از طرفین برای آشناکردن طرف مقابل با آداب و رسوم و فرهنگ خانواده خود بکوشد. در فرایند ازدواج لازم است هر دو طرف به رعایت این آداب در کنار پایبندی به موازین دینی، مقید باشند. بی‌توجهی به این موضوع، در آینده آثار و تبعات منفی برای ازدواج خواهد داشت. در بخش پیشتر بدانیم در پایان این درس، اطلاعاتی درباره آنچه باید به آن توجه کنید آمده است.

طرح یک مورد: حسین و هاجر

حسین و هاجر در دانشگاه آشنا شده بودند، حسین از شهر دیگری برای تحصیل به آن دانشگاه آمده بود. بعد از هماهنگی با خانواده‌ها و برگزاری جلسه خواستگاری، حسین متوجه شد که تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی زیادی میان دو خانواده وجود دارد. اما چون هاجر را دوست داشت و احساس می‌کرد کنار گذاشتن او نوعی خسارت برای خودش و ظلم به اوست، بدون توجه به این موضوع با یکدیگر ازدواج کردند.

همین تفاوت فرهنگی زیاد، باعث بروز اختلافات خانوادگی و سوءتفاهم‌های زیادی بین آنان شد. حسین و هاجر که در مرکز این مشکلات قرار داشتند، مجبور بودند بار تمام این مسائل را به دوش بکشند و عملاً زندگی مشترک آنها به دلیل این مشکلات از موفقیت زیادی برخوردار نبود.



گفت و گو در کلاس

درباره این پرسش‌ها در کلاس بحث کنید:

- خانواده‌ها در چه زمینه‌هایی ممکن است تفاوت داشته باشند؟ در چه مواردی می‌توان از این تفاوت‌ها صرف‌نظر کرد؟ آیا موارد مشابهی می‌شناسید که به دلیل چنین تفاوت‌هایی با مشکل روبه‌رو شده باشند؟
- معمولاً دخترها و پسرها می‌گویند: «ما که با خانواده طرف قرار نیست ازدواج کنیم! خود او معیارهای ما را به عنوان همسر شایسته دارا است، پس دیگر چه نیازی به بررسی و شناخت خانواده او وجود دارد؟ حالا خانواده او با هر سلیقه، عقیده، فرهنگ، عادت و ... هستند که باشند» نظر شما در این زمینه چیست؟
- شاید این ضرب‌المثل را شنیده باشید که:
«مادر رو ببین دختر رو بگیر»
به این معنی که دختر در آینده شبیه مادرش خواهد شد و اگر ویژگی‌های مادر مورد پسند شماست، دختر هم برای ازدواج مناسب است. به نظر شما این عقیده از چه جنبه‌هایی درست و از چه جنبه‌هایی غلط است؟

۵. مدیریت احساسات و هیجانات

فرض کنید که شما در یک بازی سرنوشت‌ساز فوتبال و در موقعیتی حساس باید در کسری از ثانیه بین پاس دادن و شوت زدن یکی را انتخاب کنید. اگر این موقعیت به گل تبدیل شود، تیم شما بزرگ‌ترین جام را فتح می‌کند و اگر چنین نشود، تیمتان از رسیدن به آنچه ماه‌ها برایش تلاش کرده است، باز می‌ماند. از سوی دیگر، شما با خودتان فکر می‌کنید که اگر زننده این گل من باشم، چه محبوبیتی بین هواداران تیم پیدا می‌کنم. همین افکار باعث می‌شوند که در نهایت شوت بزنید و حریف هم به سادگی توپ شما را مهار می‌کند. اما اگر پاس می‌دادید و یارتان را صاحب توپ می‌کردید، قطعاً به گل می‌رسیدید. در واقع، تصمیم شما برای شوت زدن تصمیمی کاملاً احساسی بود و این رفتار، شما را از رسیدن به موفقیت باز داشت.

چنین اتفاقی می‌تواند در تمام مراحل زندگی ما رخ دهد. زندگی ما دربرگیرنده مجموعه‌ای از انتخاب‌هاست که اگر این انتخاب‌ها عاقلانه نباشد، سال‌ها تلاش خود را برای رسیدن به هدف مطلوب تباه کرده‌ایم. داستان فرزند در درس ششم و اتفاقات بعد از آن را به خاطر می‌آورید؟ در درس‌های قبلی به این موضوع پرداختیم که انتخاب احساسی با انتخاب آگاهانه تفاوت دارد.

در موضوع ازدواج، اگر احساسات به صورت زود هنگام و بیش از حد ما را تحت تأثیر قرار دهند، دیگر نمی‌توانیم در تصمیم‌گیری واقعیت‌ها را ببینیم و مصلحت خود را به درستی تشخیص دهیم. فرایند ازدواج باید آگاهانه و براساس تفکر باشد، وگرنه همواره خود را به خاطر نداشتن آگاهی کافی در تصمیم‌گیری سرزنش خواهیم کرد. شاید شما هم با افرادی برخورد کرده باشید که وقتی از ازدواج ناموفقشان یاد می‌کنند، می‌گویند: «این نکات منفی را در همان ابتدا می‌شد دید، اما عشق کورم کرده بود»

۶. صراحت با خود و طرف مقابل

خیلی وقت‌ها در شرایطی قرار می‌گیریم که به واسطه فشارهای خانواده و یا برخی ملاحظات بیجا، حرف دلمان را نمی‌زنیم یا اگر سؤالی پیش بیاید، نمی‌پرسیم. به این مورد توجه کنید:

لیلا و علی

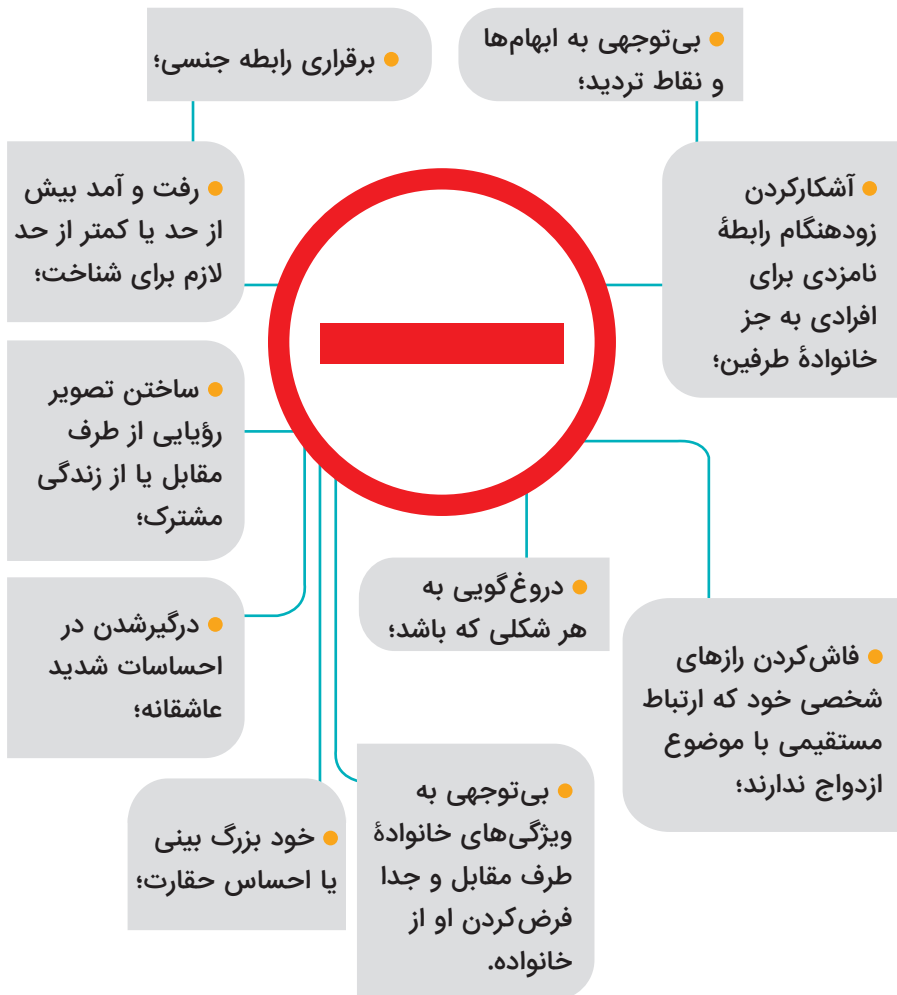
لیلا در جلسه سوم خواستگاری متوجه شده بود که علی بسیار عجول و کم صبر است. بعد از پرسیدن سؤال‌هایی در رابطه با این موضوع و تحقیقاتی که انجام داد، مطمئن شد که علی چنین روحیه‌ای دارد و می‌دانست که صبور بودن برای زندگی مشترک بسیار مهم است و نبود آن در علی او را در آینده به شدت اذیت خواهد کرد. اما چون برخی از اقوام از نامزدی آنها اطلاع داشتند و از طرف دیگر، به خاطر اینکه خودش ابتدا علی را به عنوان یک گزینه تأیید کرده بود، اصلاً نمی‌توانست به خانواده‌اش بگوید که در ازدواج با او تردید کرده است. نگران بود که نگاه آنها به او تغییر کند یا دیگر روی حرفش حساب نکنند. در نهایت لیلا و علی ازدواج کردند و با همه تلاشی که برای حفظ زندگیشان کردند، اتفاقی که برای آنها رقم خورد، چیزی جز جدایی نبود.

برخی از جوانان در همان ابتدای فرایند ازدواج کار را تمام شده می‌دانند و تصور می‌کنند راه برگشتی ندارند. بنابراین با وجود مشاهده مشکلات جدی، بر آنها چشم می‌پوشند و در نتیجه خود را با مشکلات بزرگ‌تر آینده روبه‌رو می‌کنند. این باعث می‌شود که هدف اصلی فرایند ازدواج که آشنایی دو طرف و بررسی تناسب آنهاست، برآورده نشود. به نظر شما اگر لیلا در همان زمان نامزدی به نگرانی‌اش توجه می‌کرد و تصمیم قاطعانه‌ای می‌گرفت، برای خودش و علی بهتر و کم‌هزینه‌تر نبود؟

برخی اصول دیگر در فرایند ازدواج

مواردی که در فرایند ازدواج باید مورد توجه باشند، به موضوع‌هایی که تا اینجا مطرح کردیم، محدود نیستند. شما به تناسب نیاز و شرایط خودتان ممکن است لازم باشد مسائل دیگری را مدنظر قرار دهید. در این زمینه برخی اصول دیگر را در زیر آورده‌ایم.

آنچه نباید در دوره آشنایی و نامزدی انجام دهیم:



آنچه باید در طرف مقابل بررسی کنیم (با کمک مشاور):



جمع بندی



فرایند ازدواج، یعنی مسیر حرکت از آشنایی اولیه تا تشکیل زندگی مشترک، نقش مهمی در موفقیت ازدواج دارد. مرحله‌ها و جزئیات این فرایند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است، اما هدف آن، یعنی شناخت طرف مقابل و زمینه‌سازی برای زندگی مشترک، و همچنین اصول حاکم بر آن ثابت است. در دو درس اخیر، تلاش شد تا مراحل این فرایند و برخی از اصول حاکم بر آن مورد بررسی قرار گیرد.

باید توجه داشت که با وجود اهمیت فرایند ازدواج، بخش مهمی از موفقیت زندگی مشترک به تلاش و کوشش زوج برای سازگاری با هم و ساختن بنای زندگی پس از ازدواج وابسته است. در واقع، انتخاب درست، مساوی ازدواج موفق نیست، کما اینکه انتخاب مشکل‌دار هم به معنی شکست حتمی ازدواج نیست. در این مورد در درس‌های آینده سخن خواهیم گفت.



مواردی هستند که باید دربارهٔ چگونگی آنها در طرف مقابل به شناخت مناسب برسید. بسیار مهم است که ازدواج براساس اطلاعات واقعی و کافی باشد. برای کسب اطلاعات در این موارد، از روش‌های متفاوتی می‌توان استفاده کرد و در هر مرحله از فرایند ازدواج، به بخشی از آنها دست یافت. بعضی از این روش‌ها در ادامه آورده شده‌اند:

۱. اعتقادات

* دین و مذهب، میزان پایبندی به دستورات دینی، مواردی که از نظر شما و طرف مقابل دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، مواردی مانند: روزی حلال، محرم و نامحرم، حجاب، نماز، روزه و ...

* آیا تفاوت هنجاری و ارزشی شدیدی بین خواهران و برادران وجود دارد؟
* وضعیت پوشش و حدود روابط محرم و نامحرم در خانوادهٔ آنها به چه صورت است؟

۲. اصول و خط مشی زندگی

* او در زندگی به چه اصولی پایبند است و براساس چه طرز فکر و خط‌مشی، تصمیم‌گیری و زندگی می‌کند؟
* مهم‌ترین مسائل در زندگی او کدام‌اند؟

۳. اطلاعات خانوادگی

* وضعیت هر یک از اعضای خانواده از نظر سن، شغل، تحصیلات، فعالیت‌های اجتماعی، قومیت، ارتباطات خانوادگی و ...

۴. سبک زندگی خانوادگی و روابط اعضای خانواده با هم

* آیا هنگام گفت‌وگوهای عادی و یا در فضاهای غیررسمی، گفت‌وگوهای افراد خانواده مؤدبانه و محترمانه است؟
* هنگامی که می‌خواهند یکدیگر را صدا بزنند، از چه ضمیر و الفاظی استفاده می‌کنند؟

* رفتار گرم و دوستانه‌ای با هم دارند یا روابطشان سرد است؟
* جایگاه هریک از اعضا (پدر، مادر، خواهر، برادر و ...) در خانواده چگونه است؟

* آیا پدر و مادر از اقتدار برخوردار هستند یا اینکه کسی حرفشان را نمی‌پذیرد؟
دلیل آن چیست؟

* در مسائل اقتصادی الگوی هزینه خانواده به چه صورت است؟ اهل اسراف هستند یا صرفه‌جویی؟ به تجملات و چشم و هم‌چشمی چقدر اهمیت می‌دهند؟
* وضعیت اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی اعضای خانواده به چه نحوی است؟ آیا در این زمینه رسوم یا محدودیت‌های خاصی وجود دارند که با سبک زندگی موردنظر شما مغایرند؟

* چه میزان اهل میهمانی رفتن، مسافرت و تفریح جمعی هستند؟

۵. رفتار اعضای خانواده هنگام مواجهه با مشکلات

* فرایند تصمیم‌گیری و یا حل مسئله، کنترل اضطراب، خشم و ... در خانواده آنها چگونه است؟ به چه شیوه‌هایی با مشکلات برخورد می‌کنند؟
* چگونه از هم حمایت می‌کنند؟ آیا رفتارشان نسبت به هم همراه با خونسردی و بی‌خیالی است؟

* آیا دچار تنش، اضطراب و هیجانات شدید می‌شوند، طوری که نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند؟ از پس کنترل هیجانات و احساسات خود بر نمی‌آیند؟ عصبانی می‌شوند؟ پرخاش یا کتک‌کاری می‌کنند؟
* رفتارشان آرام و همراه با تأمل و مسئله‌محوری است؟ آیا سعی می‌کنند مسائل خود را به بهترین وجه حل کنند؟

۶. سلامت روانی خانواده و اعضا

* آیا در میان اعضای خانواده نشانه‌ها و یا علائمی از وجود اختلالات روانی شایع مانند افسردگی، اضطراب، وسواس، سوءظن و ... به چشم می‌خورد؟

۷. موارد پزشکی

* برای ازدواج لازم است طرفین از نظر ویژگی‌هایی نظیر کم‌خونی و چند مورد دیگر با آزمایش پزشکی، بررسی شوند. بهتر است این بررسی‌ها در صورتی که جلسات خواستگاری با موافقت طرفین همراه بود، در آغاز دوران نامزدی صورت گیرد. چرا که اگر در این موارد مانعی برای ازدواج وجود داشته باشد، برای طرفین مشکل‌ساز خواهد بود.

۸. سایر موارد

- * هدف‌های اصلی در زندگی؛
- * خط فکر سیاسی؛
- * میزان تأثیر دیگران در تصمیم‌گیری‌ها: استقلال فکری؛
- * ارتباطات اجتماعی و محیط کار؛
- * و نیز: دروغ‌گویی، خشونت، بددهنی، وسواس، حساسیت‌های خاص و ...

برخی از روش‌های بررسی و تشخیص در فرایند ازدواج

در فرایند بررسی، انتخاب، خواستگاری و آشنایی پیش از ازدواج، طرفین و خانواده‌های آنها می‌کوشند، به شناخت مناسبی از یکدیگر دست یابند. باتوجه به اینکه تا پیش از آنکه طرفین زندگی مشترک تشکیل دهند، از بسیاری از رفتارها و ویژگی‌های هم‌آگاهی ندارند و این ناآگاهی در بسیاری از موارد باعث ایجاد مشکلات مهمی در زندگی مشترک آنها می‌شود، کسب اطلاعات کافی و شناخت صحیح، از اهمیت بالایی برخوردار است. اما چگونه و از چه روش‌هایی می‌توان به این سطح از شناخت دست یافت؟

تمام مرحله‌های فرایندهای پیش از ازدواج برای کمک به کسب این شناخت‌ها در نظر گرفته شده‌اند. از مواردی که در ادامه می‌آیند، می‌توان در هر یک از مرحله‌ها برای کسب شناخت بیشتر استفاده کرد:

- تحقیق از دیگران: شامل اقوام و آشنایان نزدیک به فرد، دوستان و کارکنان مدرسه محل تحصیل.
- دقت در رفتار: گفتار و منش طرف مقابل در موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی.
- مراجعه به مشاور متدین و متخصص ازدواج و روان‌شناس
- سؤالات مستقیم از طرف مقابل

چگونه باید سؤال کرد؟

الف) سؤال باید با جزئیات همراه باشد: وقتی پاسخ کلی دریافت می‌کنید، تلاش کنید از جزئیات مسئله و جوانب آن سؤال کنید تا نظر دقیق طرف مقابل را بفهمید. ب) براساس طرح موقعیت سؤال کنید: خیلی وقت‌ها وقتی از ما نظر می‌خواهند و یا سؤال می‌کنند که نظر تو چیست، پاسخ ما آن چیزی نیست که به آن عمل می‌کنیم. بلکه آن چیزی است که فکر می‌کنیم بهتر است؛ مثلاً اگر بپرسند: به نظر تو دروغ گفتن اشکال دارد؟ پاسخ می‌دهیم: بله بسیار کار بدی است و اصلاً نباید طرف آن رفت. اما اگر خودمان در موقعیت واقعی قرار بگیریم، ممکن است دروغ بگوییم. سؤال براساس موقعیت، یعنی برای اینکه پاسخ طرف مقابل واقعی‌تر باشد، یک موقعیت طرح کنید و از او بخواهید که خودش را در آن تصور کند و بگوید که در آن شرایط چه واکنشی خواهد داشت.

سوالاتی برای تفکر بیشتر



۱. از بین اصول حاکم بر فرایند ازدواج، کدام یک برای خود شما مهم‌تر است و نیاز به توجه بیشتری به آن دارید؟
۲. به نظر شما چه اصول دیگری را می‌توان بیان کرد که باید بر فرایند ازدواج حاکم باشند؟

بخش سوم

پس از ازدواج

فصل ۵. استحکام خانواده

- درس ۱۵. عروس خانم، وکیلیم؟! (آداب و رسوم ازدواج)
- درس ۱۶. در میان ما تفاوت از چه خاست؟! (ازدواج و تفاوت‌های همسران)
- درس ۱۷. خود در عجبم که من توام یا تو منی! (هم‌سوایی و سازگاری پس از ازدواج)

فصل ۶. مدیریت و تعالی خانواده

- درس ۱۸. من و همسرم، شما همه! (مدیریت خانواده)
- درس ۱۹. خاک را زنده کند تربیت باد بهار (تربیت فرزند)
- درس ۲۰. مرا در خانه سروی هست! (عشق، ایمان و زندگی سعادت‌مندانه)

من و همسر
شما همه!

ازدواج
و تفاوت‌های
همسران

مدیریت
و تعالی خانواده

ایمان

عشق
آداب و
رسوم ازدواج

زندگی سعادت‌مندانه

عروس خانم، وکیلیم؟!

آداب و رسوم ازدواج



سوالات کلیدی

- در منطقه شما چه آداب و رسومی برای ازدواج رایج است؟
- به نظر شما کدام یک از این رسوم به ازدواج کمک می‌کنند و کدام یک مشکل‌زا هستند و موجب تأخیر در ازدواج جوانان می‌شوند؟
- چگونه می‌توان این دسته از مانع‌های ازدواج را کاهش داد و یا از بین برد؟
- ثبت قانونی ازدواج چه مراحل دارد و چه تعهداتی به دنبال می‌آورد؟



• موقعیت

پیدا کردن محل مناسب برای عروسی کاری آسان است، مگر زمانی که «مقایسه» نیز به معادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اضافه شود و یا عروس و داماد مشکل‌پسند باشند. از اقبال بد امید، آخرین عروسی‌ای که در فامیل سرگرفته بود، حرف‌ها و حدیث‌های مختلفی به دنبال

داشت؛ از جمله اینکه :

— با اینکه خیلی خرج کرده بودن، ولی دیدی چه غذایی دادن؟ اصلاً باقالی پلوش رو نمی‌شد خورد!
یا:

— این چه لباسی بود که دوماذ پوشیده بود آخه؟!

اینها بخش کوچکی از حرف‌هایی بودند که به گوش امید رسیده بود و برایش دغدغه شده بود. امید این موضوع را با نامزدش در میان گذاشته بود و حالا می‌خواست نظر مشترکشان را با پدرش در میان بگذارد:

امید: جای خوب با قیمت مناسب تو این شهر پیدا نمی‌شه بابا.

پدر: چطور؟ یعنی یه جا توی این شهر پیدا نمی‌شه که بشه یه عروسی آبرومند توش برگزار کرد؟

امید: عروسی آبرومند؟! شما هر کاری هم بکنین آخرش یه عده حرف می‌زنن و بهانه می‌گیرن. این کجاش آبرومند می‌شه؟

مادر: منظورت چیه؟ یعنی می‌خوای مراسم نگیری؟ جواب فامیلو چی بدیم؟

پدر: اینکه نمی‌شه. هر کاری یه رسم و رسوماتی داره.

امید: اتفاقاً من به فکر آبروی شمام، یادتون رفته عروسی دانیال چه داستانی شد؟ اصلاً دوست ندارم به خاطر ازدواج من پشت سرتون حرف باشه. در ضمن الان خیلی چیزها عوض شده. خیلی از هم‌سن‌وسال‌های من به جای مراسم گرفتن و هزینه کردن برای غذا و شیرینی، به قول خودشون یه کار رؤیایی انجام می‌دن یا یک مسافرت خاص می‌رن و خلاص.

مادر: پناه بر خدا! چه چیزایی می‌شنویم! کار رؤیایی دیگه چیه؟ منو

بگو که فکر می‌کردم شما می‌خواین پول مراسمتون رو برای کار خیر صرف کنین، یا حداقل بذارین برای سرمایه‌کار یا رهن خونه خودتون.

پدر: عزیز من! همین کار رؤیایی که شما می‌گی، می‌دونی چقدر هزینه داره؟ تازه آخرش یه عروسی هم به فامیل بدهکار می‌شیم.

امیر: امید خان، اگه همه ایده‌های تو رو عملی کنن، دیگه هیچ وقت

عروسی دعوت نمی‌شیم و فامیل‌هامون رو نمی‌بینیم. تازه کلی هم هزینه داره. داداش من، به فکر هیچ کس نیستی به فکر حیب بابا باش

که باید دوتا پسر رو زن بده و برای یه دختر جهیزیه بخره. امید: تو که فقط به فکر خودتی. بهت قول می دم اگه نوبت خودت بشه صد برابر بیشتر از من می افتی توی این حرفا. امیر: به جان خودم، اگه فقط به فکر خودم باشم! من می گم کاش همه تصمیم بگیرن تجملات بی خودی رو بذارن کنار، تا خیلی از جوونایی که به خاطر این چیزا ازدواج نکردن، اقدام کنن. امید: خودت هم مثل اینکه خیلی منتظر اقدام هستی! داداش جون در دروازه رو می شه بست، اما در دهن مردم رو نه. اگه تو بخواهی عروسی بگیري که حرفی دنبالش نباشه، یا باید کلی هزینه کنی یا مثل من کلاً بی خیال بشی و یه کار متفاوت بکنی. شما هم لطف کن و دیگه برای زندگی من و خانومم نقشه نکش. خودت برای عروسی خودت هر کاری دوست داشتی بکن ...

گفت و گو در کلاس



۱. چرا بین دیدگاه امید و والدینش تفاوت وجود دارد؟ هر یک از آنها چه نگاهی به مراسم عروسی دارند؟
(پیشنهاد می شود که کلاس به دو گروه تقسیم شود: یک گروه از دید والدین و بقیه از دید امید به قضیه نگاه کنند.)
۲. معمولاً برای تصمیم گیری در مورد برگزاری مراسم عروسی باید میان سه جنبه تعادل برقرار کرد:
 - انجام آنچه آرزو و دلخواه شماست.
 - رعایت عرف و رسوم مورد قبول جامعه و خانواده.
 - پرهیز از تجملاتی که باعث تأخیر در عروسی شما و دشوار شدن این کار برای دیگران می شود.
- به نظر شما در موقعیت بالا آیا امید توانسته است به تعادل مناسبی بین این سه جنبه برسد؟ چرا؟
۳. موقعیتی را از ازدواج دوستان یا اقوام خود در نظر بگیرید که این تعادل در آن رعایت نشده باشد. اگر در آن موقعیت شما تصمیم گیرنده بودید، چه کار می کردید؟



ازدواج به عنوان یکی از کهن‌ترین سنت‌های بشر همواره با آداب و رسوم و قواعد متفاوتی در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون همراه بوده است. برخی از این آداب و رسوم در طول زمان یا به دستور مذهب و یا بر اساس نیازها و ضرورت‌های تشکیل یک زندگی موفق و پایدار، شکل گرفته‌اند. برای مثال، اینکه مراسم ازدواج در حضور جمعی از اقوام و آشنایان برگزار شود، موضوعی است که علاوه بر برجسته کردن ازدواج، به‌عنوان یک واقعه مهم، موجب به رسمیت شناخته شدن خانواده جدید بین اطرافیان می‌شود و به نزدیک‌تر شدن دوستان و آشنایان نیز کمک خواهد کرد. ضمن اینکه مشارکت در جشن و شادی دیگران، در دیدگاه دینی و اخلاقی توصیه شده است و موجبات شادی بیشتر را فراهم می‌کند.



در مقابل، برخی از مراسم ازدواج به دور از ضروریات و نیازهای واقعی، یا بدون رعایت موازین شرعی و اخلاقی، و تنها از روی چشم و هم‌چشمی یا رقابت‌های ناسالم برگزار می‌شود. تجملات و تشریفات بیش از حد و انجام کارهایی عجیب و پرهزینه با هدف‌هایی نظیر استثنایی و باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم و ماندگاری آن روز تاریخی در خاطره آشنایان و اقوام تا ابد و ... نه تنها به ارزش خود ازدواج به‌عنوان یک سنت الهی و انسانی آسیب می‌زند، بلکه به دلیل ایجاد و گسترش سنت‌های غلط و متعاقباً دشوار کردن ازدواج برای سایر جوانان، تأثیر منفی عمیقی در جامعه بر جای خواهد گذاشت.

اگر ازدواج را به میدان خودنمایی و تجملات تبدیل کنیم،
هم به ازدواج خودمان لطمه زده‌ایم و هم به ازدواج دیگران.



درس زندگی

آداب و رسوم ازدواج

فعالیت گروهی در کلاس



- برخی از آداب و رسوم ازدواج در منطقه خود را در نظر بگیرید.
- به نظر شما هدف از این آداب و رسوم در ازدواج چیست؟
 - کدامیک از این سنتها می تواند به موفقیت در ازدواج و آینده زوج کمک کند؟
 - کدامیک ممکن است عاملی برای ایجاد مشکلات در آغاز زندگی مشترک باشد؟
- دلیل شما برای هر مورد چیست؟
- برای پاسخ به سؤالهای فوق جدول زیر را در گروه خود تکمیل کنید (دو مورد در جدول به عنوان مثال آورده شده است).

ردیف	آداب و رسوم	کمک می کند، زیرا ...	مشکل ایجاد می کند، زیرا ...	نمی توان به طور قطع گفت، زیرا...
۱	تماس مادر با خانواده دختر به منظور کسب اجازه برای برگزاری جلسه خواستگاری			
۲	تعیین مهریه در جلسه ای با حضور بزرگان دو خانواده			
۳				
۴				
۵				



با توجه به مواردی که به صورت گروهی در جدول نوشته‌اید، به دو دیدگاه زیر توجه کنید. سپس دربارهٔ سؤالات در کلاس گفت‌وگو کنید.

دیدگاه اول: بسیاری از این آداب و رسوم آسیب‌زا هستند و فشار بسیاری بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند، حتی باعث ایجاد مشکل در ازدواج جوانان می‌شوند! بنابراین باید تا می‌توان از آنها دوری کرد.

دیدگاه دوم: اگر کسی توان مالی دارد، خوب است برای با شکوه‌تر شدن مهم‌ترین اتفاق زندگی فرزندش، به همهٔ این آداب و رسوم پایبند باشد حتی اگر می‌تواند، برای به یاد ماندنی‌تر کردن مراسم، کارها و تشریفات جدیدی اضافه کند.

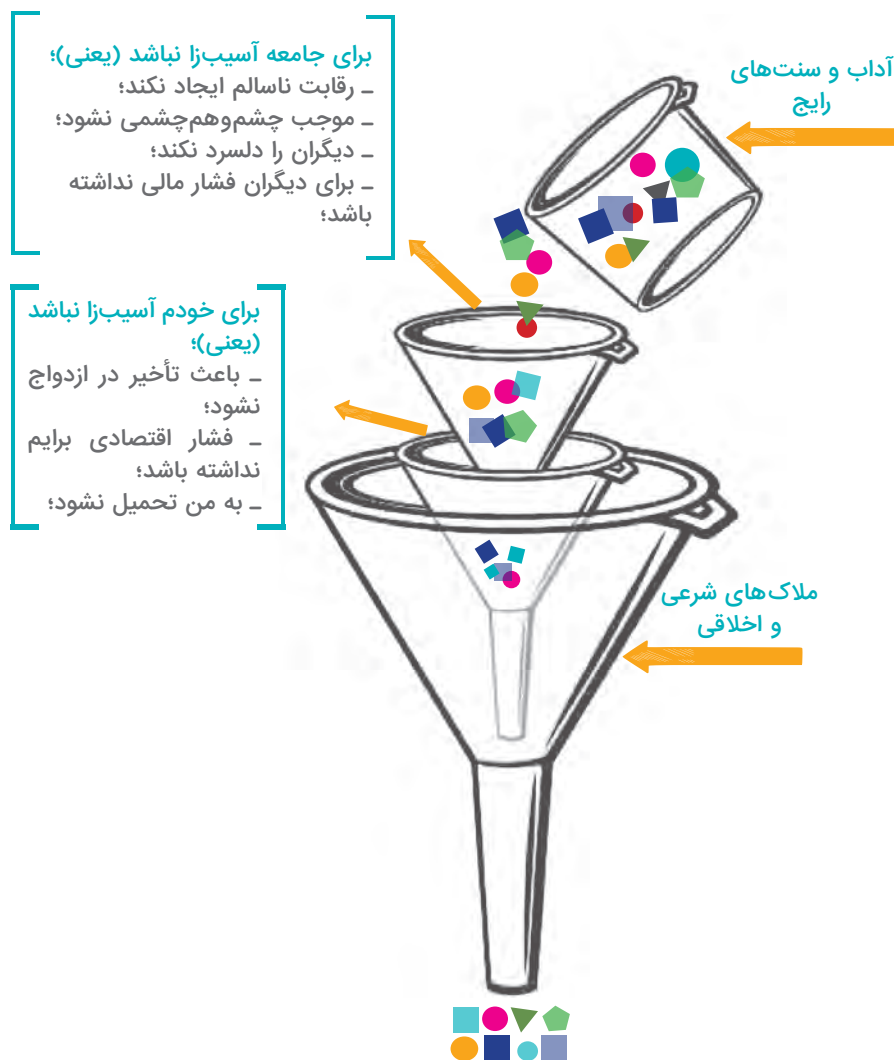
۱. به نظر شما، پذیرفتن هر یک از این دو نظر چه پیامدهایی را از جنبهٔ فردی و اجتماعی به همراه دارد؟

۲. به نظر شما چگونه می‌توان ضمن رعایت رسوم مفید، زواید و تشریفات را حذف کرد؟

۳. چشم و هم‌چشمی و توجه بیش از حد به حرف مردم چه مشکلاتی در ازدواج ایجاد می‌کند؟ رعایت عرف تا کجا لازم است و خط قرمزهای شما در این موضوع چیست؟

الگوی گام به گام ارزیابی آداب و رسوم در ازدواج

داشتن ملاک برای تحلیل و بررسی آداب و رسوم ازدواج، ما را از دام افراط و تفریط رها می‌کند. مطلب زیر نشان دهنده ملاک‌هایی بسیار ساده و کاربردی برای ارزیابی سنت‌های رایج در ازدواج است.





درس زندگی

زمانی که پدر آسمانی‌ترین دختر دنیا، اجازه ازدواج فرزند دلبندهش را داد، خواستگاران فراوانی از اقوام مختلف به صف شدند، از متمول‌ترین صاحبان منصب‌های سیاسی و شجاعان و... اما دختر به هیچ کدام جواب مثبت نداد جز علی علیه السلام پسر ابوطالب. موضوع که جدی شد و پای قرارهای مراسم به میان آمد، پدر دختر از داماد پرسید: «از نظر مادی چه داری؟» داماد جواب داد: «یک شتر، یک شمشیر و یک زره» پدر عروس فرمودند: شتر و شمشیر را نیاز داری، ولی برو زرهات را بفروش. داماد نیز همین کار را کرد و با پول همان زره آنچه مورد نیاز بود تهیه کرد و مراسم عروسی برگزار شد و عمیق‌ترین پیوند ازدواج عالم شکل گرفت.



طرح یک مورد

«آن لحظاتی که با مصطفی بودم و حتی بعد از اینکه ازدواج کردیم، چیزی از عوالم ظاهری نمی‌دیدم، نمی‌فهمیدم. به پدرم گفتم: جشن نمی‌خواهم. فقط فامیل نزدیک. پدرم گفت: مانعی ندارد. هرکار خودتان می‌خواهید بکنید. صبح روزی که بعد از ظهرش عقد بود، آماده شدم که بروم دبیرستان برای تدریس. خواهرم پرسید: کجا می‌روید؟ گفتم: مدرسه. گفت: شما الان باید بروید آرایشگاه، بروید خودتان را درست کنید. گفتم: نه، من باید به مدرسه بروم و رفتم مدرسه. آنجا هم همه می‌گفتند: شما چرا آمدید؟ من تعجب کردم. گفتم: چرا نیایم؟ مصطفی مرا همین‌طور می‌خواهد. از مدرسه که

برگشتم، مهمان‌ها آمده بودند. خواهرم پرسید: لباس چه می‌خواهی بپوشی؟ گفتم: لباس زیاد دارم. گفتم: باید لباس عروسی باشد و رفت همان ظهر برایم لباس عقد خرید. همه می‌گفتند: نمی‌خواهیم آبرویمان جلوی فامیل برود. من شاید اولین عروسی بودم که به دنبال آرایش و این‌ها نرفتم. گفتمند: داماد باید هدیه بدهد به عروس. این رسم ماست. داماد باید انگشتر بدهد. من اصلاً فکر اینجا را نکرده بودم. مصطفی وارد شد و یک هدیه آورد. آن را باز کردم و دیدم شمع است. متن زیبایی هم کنارش بود. سریع بردم کادو را قایم کردم. اگر می‌فهمیدند، می‌گفتند: داماد دیوانه است برای عروس هدیه شمع آورده. خواهرم پرسید: هدیه داماد کجاست؟ به او گفتم: آن هدیه انگشتر نیست. خواهرم عصبانی شد گفت: می‌خواهید مامان امشب برود بیمارستان؟ این چه عروسی است؟ آبرویمان جلوی همه رفت. بالاخره با هم رفتیم سر کمد مادرم و حلقه ازدواج او را دستم کردم و آدمم بیرون. مهریه‌ام قرآن کریم بود و تعهد از داماد که مرا در راه تکامل و اهل بیت و اسلام هدایت کند. اولین عروسی بود در شهر صور (در لبنان) که عروس چنین مهریه‌ای داشت! یعنی در واقع هیچ پولی در مهریه‌اش نداشت! برای فامیل و مردم عجیب بود این‌ها!! مادرم متوجه شد انگشتری که دستم کردم، مال خودش بوده. گفتم: مامان، من تو حال خودم نبودم، وگرنه به مصطفی می‌گفتم و او هم حتماً می‌خرید و می‌آورد. مادرم گفت: حالا تو را کجا می‌خواهد ببرد؟ کجا خانه گرفته؟ مادرم رفت آنجا را دید. فقط یک اتاق ساده بود! مامان گفت: آخر و عاقبت دختر من باید این‌طور باشد؟! ولی من در این وادی‌ها نبودم. همانجا همان‌طور که بود می‌خواستم زندگی کنم. مادرم گفت: من وسایل برایتان می‌خرم، طوری که فامیل و مردم نفهمند. آخر در لبنان بد می‌دانند دختر چیزی ببرد خانه داماد؛ جهیزیه ببرد. می‌گویند فامیل دختر پول دادند که دخترشان را ببرند! من و مصطفی قبول نکردیم، مامان وسیله بخرد. می‌خواستیم همان‌طور ساده زندگی کنیم...»

غاده‌هاجر، همسر شهید مصطفی چمران

از مجموعه کتاب‌های «نیمه پنهان ماه»



مسائل حقوقی ازدواج

ازدواج پیوندی است که علاوه بر جنبه‌های عاطفی و معنوی، جنبه‌های حقوقی و شرعی نیز دارد. بر این اساس، علاوه بر رسوم و سنت‌ها، ضوابط و مرحله‌های قانونی خاصی هم برای ثبت ازدواج در نظر گرفته شده‌اند که لازم است از آنها آگاه باشیم. مهم‌ترین این مرحله‌ها به شرح زیرند:

مرحله اول: دریافت نامه از دفتر ثبت ازدواج

اولین گام برای ثبت ازدواج، انتخاب دفتر ثبت ازدواج و مراجعه به آن است. در این مراجعه همراه داشتن مدارک شناسایی، عکس دختر و پسر، و شناسنامه پدر دختر الزامی است. با ارائه مدارک نامه‌ای دریافت می‌کنید که در آن دختر و پسر به آزمایشگاه مورد نظر برای انجام آزمایش‌های قبل از ازدواج معرفی می‌شوند.

مرحله دوم: مراجعه به آزمایشگاه

در آزمایشگاه با ارائه معرفی‌نامه دفتر ثبت، این کارها انجام می‌شوند: آزمایش اعتیاد؛ تزریق واکسن کزاز (ویژه خانم‌ها)؛ آزمایش خون (برای بررسی احتمال ابتلا به تالاسمی در فرزندان).

نکته



برای افرادی که در نزدیکانشان اختلال‌های ژنتیکی وجود دارد یا برای زوجی که نسبت فAMILیلی نزدیک با هم دارند، انجام آزمایش ژنتیک ضروری است. این آزمایش در کلینیک‌های ویژه‌ای انجام می‌گیرد. ازدواج‌های فAMILیلی ممکن است به بروز بیماری‌های خاص در فرزندان بینجامد و مشاوره ژنتیک می‌تواند از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری کند.

مرحله سوم: ثبت ازدواج

حالا باید برای ثبت رسمی ازدواج دوباره به دفتر ثبت مراجعه کنید. در ازدواج اول هر دختری

مگر در موارد خاص و با حکم دادگاه، اجازه ولی و حضور وی در جلسه عقد و امضا کردن دفتر و عقدنامه حتماً لازم است. اطلاعاتی مانند نوع عقد و مدت آن، میزان مهریه، شروط عقد و... در زمان گرفتن وقت از دفتر ثبت، باید به دفتردار ارائه شود. این موارد باید قبلاً مورد توافق زوج و خانواده‌هایشان قرار گرفته باشد.

روزی که برای ثبت رسمی ازدواج به دفتر ثبت مراجعه می‌کنید، بعد از اعلام شروط ازدواج به طرفین و جاری شدن خطبه شرعی عقد، باید دفتر بزرگ محضر را به همراه دفترچه‌ای که در اختیار شما قرار می‌دهند، امضا کنید. تعداد این امضاها کم نیست و هر کدام درباره موضوع خاصی است که باید قبل از امضا، آن را با دقت بخوانید. توجه داشته باشید که ازدواج تعهدی قانونی است و پایبندی به مواردی که در دفترخانه امضا می‌کنید قانوناً برای شما لازم است و تخلف از آن جرم محسوب می‌شود. ثبت عقد در شناسنامه دو طرف هم توسط همان دفتر انجام می‌شود.

نکته



- در صورتی که قبلاً صیغه عقد موقت (اصطلاحاً صیغه محرمیت) بین زوج جاری شده باشد و مدت آن به پایان نرسیده باشد، قبل از عقد دائم باید باطل شود.
- بعضی از زوج‌ها با مراجعه به یکی از روحانیون معتمد به عقد دائم یکدیگر درمی‌آیند که در این صورت، با ارائه گواهی از ایشان، در دفتر ثبت فقط مراحل قانونی طی خواهد شد و صیغه شرعی عقد تکرار نمی‌شود.
- در برخی موارد امکان حضور دفتردار در جشن عقد و انجام مرحله‌های قانونی در آن محل وجود دارد.



شروط ضمن عقد

براساس ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، طرفین می‌توانند هر شرطی که مخالف با اصل عقد نباشد، در ضمن عقد ازدواج مطرح کنند. در قباله ازدواج مواردی به عنوان شروط ضمن عقد ذکر شده‌اند که دو طرف در صورت توافق آنها را امضا می‌کنند و می‌پذیرند. اما زوجها می‌توانند علاوه بر شروط چاپ شده در قباله، هر شرطی را که مایل باشند به آن اضافه کنند.

در پذیرش شروط ضمن عقد باید به این نکته توجه داشته باشید که این شروط پس از پذیرش جنبه قانونی پیدا می‌کنند و تخلف از آنها جرم است. بنابراین شروطی را تعیین نکنید که مغایر باورهای شما هستند، یا گمان می‌کنید به اصل اعتماد و صداقت که پایه اصلی ازدواج است، لطمه می‌زنند. شروط مورد پذیرش طرفین باید در توافق‌های اولیه ازدواج با کمک دو خانواده مشخص شوند.

مهریه

مهریه، مالی است که مرد در ازدواج، (در هنگام استطاعت، یا در هنگام مطالبه همسر) به او می‌بخشد. یک مثل کاملاً غلط ولی رایج وجود دارد که می‌گوید: «مهریه رو کی داده و کی گرفته؟» اما خوب است بدانیم که مبلغ مهریه، بدهی مرد به زن محسوب می‌شود و مرد باید هنگام ازدواج توان پرداخت مهریه را در خود ببیند. بنابراین باید از تعیین مبالغ نجومی یا تعیین مواردی که فراهم کردن آنها ممکن نیست، به عنوان مهریه خودداری کنید. بد نیست بدانید که بر اساس آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۶ توسط مدیرعامل ستاد دیه، حدود ۲۴۵۰ نفر به علت ناتوانی در پرداخت مهریه در زندان به سر می‌برند.

طبق فرمایش پیامبر اسلام ﷺ، بهترین ازدواج آن است که با مهریه سبک انجام شود. همچنین حضرت علی علیه السلام فرمودند: «مهریه‌ها را زیاد نکنید، زیرا این کار باعث دشمنی میان شما خواهد شد.»

گفت و گو در کلاس



به نظر شما چرا بعضی از جوانان و یا خانواده‌هایشان به تعیین مهریه‌های سنگین یا غیر واقعی اقدام می‌کنند؟ این کار چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟ نظر شما در مورد تعیین مقدار مهریه چیست؟

نکته



ازدواج آسان

احتمالاً درباره ازدواج دانشجویی و یا ازدواج آسان، مطالبی را از رسانه‌ها شنیده‌اید. در این روش که به همت برخی سازمان‌های دولتی، «نهاد رهبری در دانشگاه‌ها»، و یا «سازمان‌های مردم نهاد (سمن)» اجرا می‌شود، مجموعه‌ای از همه آنچه را که برای شروع یک زندگی مشترک مورد نیاز است، به زوج معرفی می‌کنند که می‌شود همه آنها را با هزینه‌ای مناسب تهیه کرد. گاهی هم سازمان یا مؤسسه جشنی مشترک برای چندین عروس و داماد برگزار می‌کند که بسیار جذاب، متفاوت و دیدنی است.

در منطقه شما چه سازمان‌ها و نهادهایی از این نوع وجود دارند؟

جمع‌بندی



در درس حاضر برخی از آداب و رسوم ازدواج را بررسی کردیم. چنان که دیدیم، ازدواج با توجه به جایگاه مهمی که در زندگی فرد و همچنین در مناسبات جامعه دارد، از گذشته با رسوم و سنت‌های متنوعی همراه بوده است. اما برخی از این رسوم آنچنان به خرافات یا تجملات آلوده شده‌اند که کارکرد اصلی خود را که همان رسمیت بخشیدن به پیوند میان یک دختر و پسر یا کمک به آغاز آسان‌تر زندگی تازه ایشان است، از دست داده‌اند. بر این اساس مهم است که تلاش کنیم، ضمن پایبندی به رسوم مفید ازدواج، رسوم دست و پا گیر را کنار بگذاریم. در این درس همچنین با توجه به جنبه رسمی و قانونی ازدواج، بر ضرورت آگاهی از مرحله‌های ثبت ازدواج و تعهدات قانونی که با ازدواج بر عهده می‌گیریم، تأکید شد.



سؤالاتی برای تفکر بیشتر

۱. شما برای ازدواج خودتان از چه آداب و رسومی پیروی خواهید کرد؟
۲. اگر شما بخواهید ایده‌های جدید مثبت و سازنده‌ای برای برگزاری مراسم عروسی پیشنهاد بدهید که به موفقیت و پایداری ازدواج کمک کند، چه مواردی را مطرح می‌کنید؟



بیشتر بدانیم - ۱

نگاهی به آداب و رسوم ازدواج در ایران

از گذشته تا امروز آداب و رسوم متفاوتی برای ازدواج در منطقه‌های گوناگون کشورمان رواج داشته است. برخی از این رسوم در بسیاری از منطقه‌ها مشترک هستند و برخی ویژه منطقه یا قوم خاصی هستند. همچنین، برخی از این رسوم در طول زمان تغییر یافته یا فراموش شده‌اند. در ادامه تنها به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

مراسم عروسی یا ازدواج در برخی منطقه‌های شمال ایران



- خواستگاری از دختر توسط اقوام نزدیک داماد صورت می‌گیرد و بعد از رضایت عروس و خانواده‌اش، فردای آن شب غذا و شیرینی تهیه می‌کنند و برای خانواده عروس می‌فرستند.
- برای مراسم «آره گیرون» یا «بله برون» به خانه عروس می‌روند و با دادن انگشتر به عروس، در واقع او را برای پسرشان نشان می‌کنند. در همان شب بله برون میزبان مهریه را نیز معین می‌کنند. بعد از این مراسم دوران نامزدی آغاز می‌شود که معمولاً از ۶ ماه تا ۲ سال طول می‌کشد.

- برای دعوت کردن مردم به عروسی، زنی را به عنوان «خَورگیر» یا «خبرگیر» به خانه‌های مردم می‌فرستند تا همگی را برای عروسی دعوت کند.
- یک روز قبل از جشن، از خانۀ داماد تمام ملزومات جشن عروسی، از قبیل برنج، مرغ، گوشت و روغن به نام «خرج بار» را بار اسب می‌کنند و پای کوبان به خانۀ عروس می‌فرستند.
- مردم نیز کمک‌هایی به نام «سوری» در مجمعه‌های مسی می‌گذارند و روی آن را با پارچه‌های رنگی می‌پوشانند و آن را بر سر می‌گیرند و به خانۀ داماد می‌برند.
- جهاز عروس را یک روز قبل از عروسی به خانۀ داماد می‌برند.



بعضی آداب و رسوم قدیم ازدواج در تهران و برخی شهرهای بزرگ

- معمولاً وقتی پسر به سن ۱۸-۱۷ سالگی می‌رسید، پدر و مادر به اصطلاح آستین بالا می‌زدند و مقدمات ازدواج را برایش تدارک می‌دیدند. در آن روزگار، دیدار دختر و پسر قبل از جاری شدن صیغه عقد، غیرممکن و سرنوشت آنها در دست پدران و مادرانشان بود. تا قبل از عقد، کمتر پیش می‌آمد دختر و پسر حتی یک نظر یکدیگر را ببینند. پس از محرم و صفر که ماه‌های عزاداری بودند، با فرارسیدن ماه‌های ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی، خانواده‌های دختردار گوش به زنگ بودند؛ زیرا مردم عقیده داشتند، ازدواج در این دو ماه خوش‌یمن است و خواستگاری‌ها بیشتر در این زمان انجام می‌شدند و عقد و ازدواج در آن سر می‌گرفت.
- برای پیدا کردن دختر و پسر مناسب، خانواده‌ها دوست داشتند حتی‌الامکان داماد یا عروس را میان خویشان، بستگان و آشنایان پیدا کنند. در درجه بعدی، یکی از آشنایان خانواده دختر، اعم از همسایه، دوست، همکار و اقوام از کمالات دختر و متقابلاً، اقوام پسر از برازندگی پسرشان تعریف می‌کردند. این‌گونه بود که زمینه مراسم خواستگاری فراهم می‌شد. نوع دیگر آشنایی، از طریق مردان خانواده در بازار یا محل کسب‌وکار صورت می‌گرفت. آنها وقتی متوجه می‌شدند فلان شخص دختر دارد، میان پدر دختر و پدر پسر قول و قرار می‌گذاشتند. راه دیگر آن بود که زنان خانواده پسر مجالس جشن، مهمانی، سفره و مولودی به‌راه می‌انداختند تا دختر مورد نظر را پسند کنند و از سنگین‌پوشی یا سبک‌پوشی، سادگی یا آرایش، کم‌حرفی یا پرحرفی او متوجه می‌شدند که آیا این دختر مناسب پسرشان هست

یا خیر. عده‌ای هم در زیارتگاه‌ها، مراسم تعزیه و روضه، دختر موردنظر را پسند می‌کردند و می‌توانستند دختر نجیب یا سبک‌سر را از طریق نحوه نشستن، نوع عزاداری و... تشخیص دهند. برخی از زنان که به «دلاله» مشهور بودند، از دیگر واسطه‌های ازدواج بودند و خانواده‌ها را با هم آشنا می‌کردند.



● برای خواستگاری رفتن، تعیین ساعت و روز برای خانوادهٔ پسر بسیار مهم بود. بسیاری بر این باور بودند که روز چهارشنبه مبارک‌ترین روز برای رفتن به خواستگاری است. از آنجا که در آن ایام رسم بر این بود که خواستگار سرزده و بدون اعلام وقت قبلی به خانهٔ دختر بیاید، همیشه یکی از اتاق‌ها (اتاق‌های پنج‌دری و ارسی) برای پذیرایی آماده بود. خواستگارها به این علت سرزده می‌آمدند که از وضع خانه، پاکیزگی یا شلختگی صاحب منزل آگاه شوند.

● دوران نامزدی خیلی طول نمی‌کشید. بالاخره خانوادهٔ داماد خبر می‌داد که فلان روز، ساعت سعد است و می‌خواهیم دختر را عقد کنیم. بعد از تعیین ساعت مبارک، اسباب عقد، طبق کشان به خانهٔ عروس برده می‌شد. اسباب عقد شامل آینه و شمعدان، خوانچهٔ نان و اسفند، رخت عروس، طبق نقل و کاسهٔ نبات، طبق کله‌قند، طبق میوه، طبق شیرینی، شیشه‌های گلاب و ... بود.

● چند زن دستمال‌های پر از جلوی خانم‌های فامیل و آشنا می‌گرفتند و به‌این ترتیب، آنها را به مراسم دعوت می‌کردند. (در آن دوران کارت دعوت متداول نشده بود.) اما دعوت‌های مردانه این‌طور بود که یک مرد خوش‌خط چندین «رقعهٔ فدایت شوم» برای دوستان و آشنایان می‌نوشت و این دعوت‌نامه‌ها را به دست ایشان می‌رساندند.



فعالیت خارج از کلاس

در مورد آداب و رسوم ازدواج در نقاط متفاوت کشور خودمان تحقیق و بررسی کنید و گزارش مختصری به کلاس ارائه دهید.

در میان ما تفاوت از چه خاست؟!

ازدواج و تفاوت‌های همسران



سؤالات کلیدی

- زنان و مردان به لحاظ روان‌شناختی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟
- این تفاوت‌های روان‌شناختی چه تأثیری بر رابطه همسران می‌گذارد؟
- آیا در همه خانواده‌ها نقش‌های زن و شوهر به‌طور یکسان تعریف می‌شوند؟



• موقعیت

دو روزی می‌شد که امید حال و حوصله کاری را نداشت. البته همه می‌دانستند که دیر یا زود لب باز می‌کند و مشکلش را بیان می‌کند. بالاخره این اتفاق یک عصر چهارشنبه افتاد.
امید: شماها مطمئنم که آدم با ازدواج به آرامش می‌رسه یا به شعار

بود که منو راضی کنین!!
 پدر: جان؟! چی فرمودین؟!
 مادر: وا چی شده مگه؟ با نامزدت حرفت شده؟
 امید: نه اتفاقاً با هم خیلی هم تفاهم داریم. اما دلم بدجوری شور
 افتاده!!
 مریم: آخی داداشم رو ببینین چه حالی شده! تو که کارات روی روی روال
 داره پیش می‌ره.
 امید: نه خواهر عزیزم، مشکلی با کارام ندارم. دلم شور چند سال دیگه
 رو می‌زنه که نکنه ما هم ...
 مادر: ما هم چی؟! جون به سر می‌کنی آدم رو پسر، با این حرف زدنت!
 امید: ینی واقعا شماها سر و صدای دعوای همسایه رو نمی‌شنوین؟
 پدر: کدوم سر و صداها؟
 امید: ای بابا، همین واحد طبقه بالا دیگه که تازه ازدواج کردن. هرشب
 باهم جروبخت دارن.
 پدر: اولاً هرشب نیست، ثانیاً دعوا کدومه، فقط چندبار بحثشون شده.
 (با یک لبخند مرموزانه و چشمک به مادر): احتمالاً خانومش معتقدده که
 دیگه شوهرش مثل دوران نامزدی اون رو دوست نداره. ثالثاً شما چرا
 تو کار مردم فضولی می‌کنی و تو زندگیشون سرک می‌کشی؟
 امید: من تو زندگیشون سرک نمی‌کشم. انقدر صداشون بلندده که
 انکار وسط خونه ما دارن به قول شما بحث می‌کنن!
 مادر: خب حالا اونها چکار به کار شما دارن؟
 امید: اصلاً تقصیر امیره، دیشب خواب بود و اینا دعواشون شد. کلافه
 بلند شد و گفت: ای بابا اینا که انقدر عاشق هم بودن، چرا هر شب
 دارن مارو بی خواب می‌کنن! انکار این حرفش صاف رفت ته قلب من
 و بند دلم رو پاره کرد.
 مریم: من که نفهمیدم ربطش به تو و نامزدت چیه؟
 پدر: باباجون، تفاهم برای شروع زندگی لازمه، اما فقط برای شروع.
 بعدش که زن و شوهر می‌رن زیر یه سقف، دیگه تفاهم کافی نیست.
 باید یاد بگیرن که با هم بسازن. ازدواج شروع راهه.

مادر: زندگی ساختنیه عزیز من. هیچ خونه‌ای برای تو از قبل آماده نیست.

— امید: «حرفاتون آدمو آروم می‌کنه ولی حق بدین که دل آدم باید شور بیفته!»

— مادر: شما که خوب نامزدت رو شناختی، نباید این حرف رو بزنی عزیزم. بعدشم یه جو ری حرف می‌زنی انگار یادت رفته توکل یعنی چی.

گفت و گو در کلاس



۱. به نظر شما زوجی مانند امید و همسرش ممکن است در چه موضوعاتی پس از ازدواج اختلاف پیدا کنند؟

۲. پس از دقت اولیه در انتخاب همسر، آگاهی از چه موضوع‌ها و داشتن چه مهارت‌هایی برای پایداری ازدواج لازم است؟

طرح مسئله



هنر شناخت تفاوت‌ها: انسان‌ها دارای مجموعه‌

اشتراکاتی هستند که از فطرت آنها سرچشمه می‌گیرد. موضوع‌هایی مانند خداجویی، کمال‌گرایی، حق‌طلبی، علاقه به زیبایی‌ها و... در همه انسان‌ها با هر جنسیت، نژاد و رنگی وجود دارد. در ازدواج، دو نفر با مجموعه‌ای از اشتراکات فطری از یک سو و دنیایی از تفاوت‌ها از سوی دیگر، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. زمینه‌های متفاوت

فردی، خانوادگی، تجربه‌های متفاوت در زندگی و روابط اجتماعی و سایر ابعاد زندگی، باعث می‌شوند این دو نفر دنیا‌های متفاوتی داشته باشند. بر این اساس طبیعتاً تفاوت در دیدگاه، علاقه‌ها و سبک زندگی، به صورتی جدی در ابتدای زندگی مشترک دیده می‌شود. درک این تفاوت‌ها و پذیرش آنها، گام مهمی در جهت تحکیم خانواده است و در نتیجه یکی از عوامل رسیدن به بالاترین سطح از رابطه، یعنی عشق، پرداختن به همین موضوع یعنی درک و پذیرش این تفاوت‌هاست.

بی توجهی به این تفاوت‌ها، موجب دلسردی طرفین از زندگی مشترک می‌شود و ازدواج را با مشکل مواجه می‌سازد. برای پیشگیری از مواجه شدن با چنین شرایطی، حتماً باید به مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های کلیدی دست پیدا کنیم. در این درس به بررسی برخی از تفاوت‌های میان زن و مرد می‌پردازیم و در درس بعد اشاره‌ای به مهارت‌های لازم برای مدیریت مناسب این تفاوت‌ها خواهیم داشت. به‌طور کلی این تفاوت‌ها را در دو حوزه بررسی می‌کنیم:

* الف) تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد

* ب) تفاوت دیدگاه همسران در مورد نقش‌ها در زندگی مشترک

ضرورت شناخت تفاوت‌های روان‌شناختی زنان و مردان

همان‌طور که ذکر شد، گرچه به لحاظ کرامت انسانی و ویژگی‌های فطری تفاوتی در آفرینش زن و مرد وجود ندارد، اما از نظر ویژگی‌های جسمانی و روانی تفاوت‌های مشخصی در خلقت هر دو جنس به چشم می‌خورد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که توجه دقیق به این موضوع باعث رشد و تکامل همسران می‌شود و بی‌توجهی به این تفاوت‌ها، یکی از عوامل بروز اختلاف در روابط آنهاست. به‌طور معمول، ممکن است هر دو جنس از این تفاوت‌ها غافل باشند. در نتیجه هر کدام از دیگری انتظار دارد تا عیناً مانند او احساس، فکر و رفتار کند و نبود شباهت را به بی‌توجهی یا بی‌علاقگی و... تعبیر کند که چنین نگرشی موجب ایجاد دلخوری و اختلاف می‌شود. این موضوع اهمیت و نقش کلیدی آگاهی از ویژگی‌های روان‌شناختی جنس مقابل جهت پیشگیری از بروز اختلاف‌ها و در نهایت رضایتمندی از روابط میان همسران را آشکار می‌کند.

برای مثال، زنان غالباً و به ویژه هنگام بروز مشکلات، بیشتر علاقه دارند که از سوی همسر خود شنیده شوند. یعنی بتوانند احساسات و مشکل خود را با او در میان بگذارند و دربارهٔ مسائلشان صحبت کنند. در حالی که بسیاری از مردان هنگام رویارویی با مشکلات، نیازمندند که به اصطلاح به غار تنهایی خود فرو روند تا فرصت فکر کردن و حل مسئله را در تنهایی و سکوت پیدا کنند. اما فرض کنید زنی که از این ویژگی مردان بی‌خبر است، از روی دلسوزی

می‌خواهد همسرش هرچه سریع‌تر با او درباره مشکلش حرف بزند (کاری که خود او هر زمان که مشکل داشته باشد، انجام می‌دهد) و در خود فرورفتن همسرش را به بی‌توجهی یا بی‌اعتمادی او نسبت به خود تلقی می‌کند. تصور می‌کند که شوهرش اصولاً برای او ارزشی قائل نیست که مسائل خود را با او در میان بگذارد. همین دیدگاه، جرقه‌ای برای آغاز بحث و جدل میان آنها می‌شود. از آن طرف، وقتی زنی سعی می‌کند برای شوهرش ماجراهایی را که طی روز برایش رخ داده‌اند، موبه‌مو تعریف و تفسیر کند و هیجانات منفی خود را ابراز دارد، مرد بدون آگاهی از چرایی این رفتار همسرش، باز هم از روی دلسوزی، می‌کوشد فوراً به او راه حل ارائه کند، و از او انتظار دارد تا هرچه سریع‌تر، صحبت‌ها و احیاناً گریه و ناراحتی‌اش را متوقف کند و با حتی آن اتفاق ناگوار را به فراموشی بسپارد. در صورتی که زن نیاز دارد تا در این دقیق، مرد فقط به صحبت‌های او گوش دهد و احساسات او را درک کند. درک نکردن این تفاوت ممکن است موجب دعوا و بحث جدی میان آنها شود.

از این رو، برای موفقیت در ازدواج، باید تفاوت‌های جنسیتی یکدیگر را بشناسیم و به آنها توجه کنیم تا در نهایت بتوانیم، هم درک درستی از رفتار طرف مقابل داشته باشیم و هم خودمان رفتاری متناسب با خواست او را انتخاب کنیم و سرانجام به سازگاری بیشتری با هم برسیم.

نکته



۱. تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد فراگیر نیست. یعنی ممکن است استثناهای زیادی در این موضوع وجود داشته باشد. هرکس باید تلاش کند که ویژگی‌های همسرش را به طور منحصر به فرد شناسایی کند.
۲. این تفاوت‌ها هرگز به معنی مزیت و برتری یک فرد یا یک جنسیت بر دیگری نیست.

فعالیت گروهی در کلاس



با توجه به آنچه آموختید، فکر می‌کنید نوع رفتار زن و مرد در مواجهه با هریک از موقعیت‌های زیر چگونه خواهد بود؟ برای شروع پاسخ به این پرسش می‌توانید به نمونه رفتارهایی که زیر جدول آمده‌اند، رجوع کنید و آنها را در جدول بنویسید و یا به رفتار اطرافیان خود رجوع کنید. این موضوع را در گروه به بحث بگذارید و نتایج را به کلاس گزارش دهید.

ردیف	موقعیت	رفتار مرد	رفتار زن
۱	مواجه شدن با موقعیتی احساسی در یک فیلم		
۲	تعریف کردن اتفاق‌های یک مهمانی دوستانه		
۳	رسیدگی به وضع ظاهری برای رفتن به یک مهمانی		
۴	سرماخوردگی مرد		
۵	سرماخوردگی زن		
۶	نگرانی در مورد یک مشکل		

می‌گوید: «قوی باش، حالا که طوری نشده!»

تمام جزئیات را تا چند روز مرور می‌کند و با آنها روزها و هفته‌ها سر می‌کند.

گریه می‌کند و یا یک بالش را بغل می‌گیرد و احساساتش را به آن منتقل می‌کند.

آن قدر غصه می‌خورد و خودش را به آب و آتش می‌زند تا همه چیز سریع‌تر درست شود.

تنها به گفتن «اوه اوه عجب!» بسنده می‌کند.

تلاش می‌کند تا با کمترین زحمت و بیشترین سرعت آماده شود.

برخی از تفاوت‌های روان‌شناختی که میان اکثر زنان و مردان دیده می‌شود عبارت‌اند از :

- معمولاً زنان بیش از مردان، عاشق حرف زدن هستند و با این کار با همسر خود احساس نزدیکی و صمیمیت بیشتری می‌کنند. به علاوه، بدین وسیله تنش‌های روحی، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را تخلیه و حل و فصل می‌کنند. البته توصیه می‌شود که زنان پیش از آغاز گفت‌وگو، شرایط و زمان مناسبی را برای این کار در نظر بگیرند؛ برای مثال، هنگام بازگشت مرد به خانه درحالی که خسته و گرسنه است، زمان مناسبی برای شروع گفت‌وگو و به ویژه طرح مسائل و مشکلات نیست. چرا که در این حالت، چندان جای تعجب نخواهد بود که زن واکنشی همراه با عصبانیت از همسرش مشاهده کند و همین موضوع می‌تواند آغازکنندهٔ مشاجره‌ای اساسی بین آن دو شود.

- مردان در روابط با دیگران «هدف محور» هستند. بدین معنی که حتماً باید برای برقراری ارتباط با دیگران و انجام فعالیت‌ها، هدف و منظور مشخصی داشته باشند. آنان از زبان، بیشتر برای انتقال اطلاعات یا بیان خواسته‌هایشان استفاده می‌کنند. به عبارت بهتر، آنها از صحبت کردن به اندازه زنان لذت نمی‌برند و فکر می‌کنند که حتماً باید مشکلی پیش آمده باشد تا اینکه بتوانند در مورد آن با همسر خود صحبت کنند. (زن: بیا با هم حرف بزنیم. مرد: چرا؟ مگه چیزی شده؟!؛) درحالی که زنان «فرایند مدار» هستند و از صحبت کردن بدون دلیل و حتی بدون اینکه نتیجهٔ خاصی در پی داشته باشد، لذت می‌برند.

- زنان در برقراری ارتباط، بیشتر به دنبال شنیده شدن حرف‌ها و درک احساس‌ها و عواطف خود هستند نه اینکه همسرشان به آنها راه حل ارائه کند و یا با سرزنش و نصیحت بابت مشکل به وجود آمده، واکنش نشان دهد.

- زنان بیشتر تمایل دارند جزئیات یک مسئله را بیان کنند. این درحالی است که مردان علاقه‌ای به پرداختن به جزئیات امور و مسائل به ظاهر بی‌اهمیت ندارند.

- زنان بیشتر در مورد عواطف و مسائل درونی خود صحبت می‌کنند درحالی که مردان بیشتر به حرف زدن دربارهٔ واقعیت‌های عینی و خارجی علاقه دارند.

- زنان نسبت به مردان، بسیار راحت‌تر و بیشتر به بروز و تخلیهٔ احساسات خود می‌پردازند. درحالی که مردان سعی می‌کنند تا حد امکان از بروز عواطف و هیجان‌های خود در مقابل دیگران، به ویژه همسرشان، خودداری کنند و با خلوت کردن با خود و در آرامش به تجزیه و تحلیل مسئله بپردازند و یا اینکه به وسیلهٔ سرزنش و انتقاد، ناراحتی‌ها و نگرانی‌های خود را مطرح می‌کنند. به همین علت

است که مردان هنگام ناراحتی سکوت می‌کنند و به غار تنهایی و خلوت خود فرو می‌روند. درحالی که زنان فکر می‌کنند اگر هر چه سریع‌تر همسر خود را به صحبت درباره مشکل به وجود آمده وادار بکنند، با همفکری قطعاً مشکل برطرف خواهد شد اما این تلاش خانم‌ها غالباً وضعیت را دشوارتر می‌کند.

● زنان ارتباط جزء به کل را بهتر درک می‌کنند، درحالی که این قضیه در مورد مردان برعکس است.

● زنان بیشتر به برقراری ارتباط با دیگران، همکاری و مشارکت، تفاهم و عشق بها می‌دهند، در صورتی که مردان بیشتر به دست یافتن به نتایج، هدف‌ها، مقام و قدرت، شکست دادن حریف و ... علاقه‌مندند.

گفت و گو در کلاس



برخی از حوزه‌هایی که ممکن است در آنها تفاوت‌های روان‌شناختی میان زنان و مردان وجود داشته باشند:

- در سبک‌های برقراری ارتباط و گفت‌وگو
 - در روش‌های ابراز یا مدیریت عواطف و هیجان‌ها
 - در شیوه‌های حل مسئله، حل تعارض و تصمیم‌گیری
 - در شیوه‌های قدردانی و تشکر از دیگری
 - در سبک تفکر، کلی‌نگری یا جزئی‌نگری
 - در علاقه‌ها و اولویت‌ها
- در هر یک از حوزه‌های بالا، چه تفاوت‌هایی میان زنان و مردان می‌توانید ذکر کنید که توجه به آنها برای داشتن ازدواجی موفقیت‌آمیز مهم است؟ برای پاسخ به این سؤال، می‌توانید از تجربه‌هایی که در مورد نحوه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده یا اقوام خودتان داشته‌اید، کمک بگیرید.

..... ۱.

..... ۲.

..... ۳.

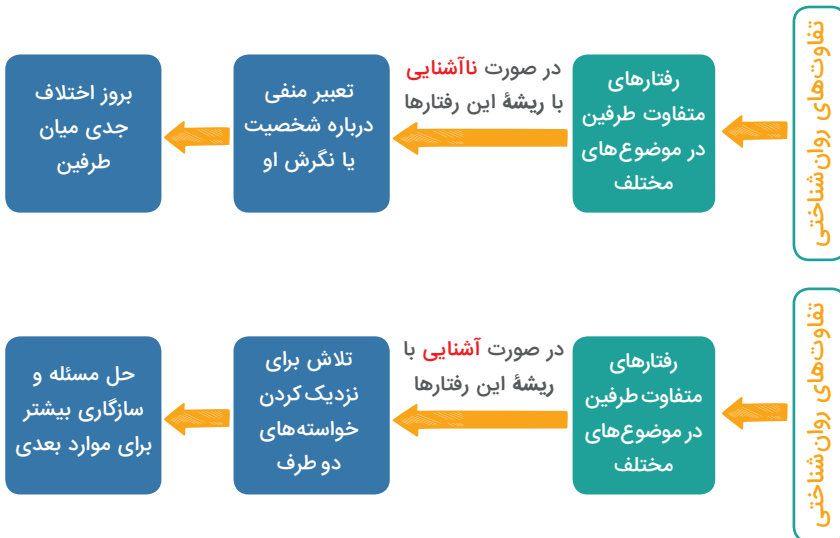
..... ۴.

..... ۵.

..... ۶.



۱. چنان‌که می‌بینید، اکثر این تفاوت‌ها در موضوع‌های کوچک هستند. اما بی‌توجهی به آنها می‌تواند به مشکلات بزرگ منجر شود زیرا افراد به دلیل ناآگاهی از منشأ رفتارهای طرف مقابل، از آنها تعبیر منفی در مورد شخصیت یا نگرش او می‌کنند. مثلاً خانمی ممکن است فراموش کردن یک تاریخ مهم توسط آقا را، بی‌مسئولیتی یا بی‌محبتی او نسبت به خودش تعبیر کند.



۲. بیان این تفاوت‌ها به معنی تأیید آنها نیست. طرفین همواره باید تلاش کنند، از طرف مقابل شناخت دقیق پیدا کنند، و مهم‌تر از آن، اشتباه‌های واقعی خود را پای تفاوت جنسیتی ننویسند و برخی ویژگی‌های خود را که مخالف خواست طرف مقابل است، به مرور اصلاح کنند.

تفاوت دیدگاه همسران در مورد نقش‌ها در زندگی مشترک
علاوه بر تفاوت‌های روان‌شناختی عمومی میان زنان و مردان، در بسیاری از اختلاف‌های بین

همسران، مسئله اصلی تفاوت دیدگاه زوج در مورد نقش‌ها، انتظاراتها و مسئولیت‌های مربوط به آن نقش‌هاست. در درس چهارم درباره تعریف نقش‌ها در خانواده و اهمیت آن در تعادل و ثبات خانواده سخن گفتیم. طبیعتاً در یک خانواده جدید این موضوع از حساسیت بیشتری برخوردار است و زن و مرد باید در مورد نقش جدید خود و همسرشان به دیدگاه مشترکی برسند. این موضوع به سازگاری آنها کمک مهمی خواهد کرد. درست است که در دوران آشنایی قطعاً در این مورد گفت‌وگو کرده‌اند و تفاهم اولیه دارند، اما بازهم وقتی در شرایط واقعی زندگی جدید قرار می‌گیرند، به طور طبیعی ممکن است اختلاف‌هایی پیششان بروز کند. برای درک بهتر این موضوع فعالیت زیر را انجام دهید.

فعالیت کلاسی



۱. ابتدا بنا بر تشخیص معلم، به‌طور فردی یا در گروه، دو جدول زیر را بر اساس شرایط جدیدی که پس از ازدواج با آن روبه‌رو می‌شوید، تکمیل کنید (در جدول دوم خودتان را به جای همسر آینده‌تان قرار دهید).

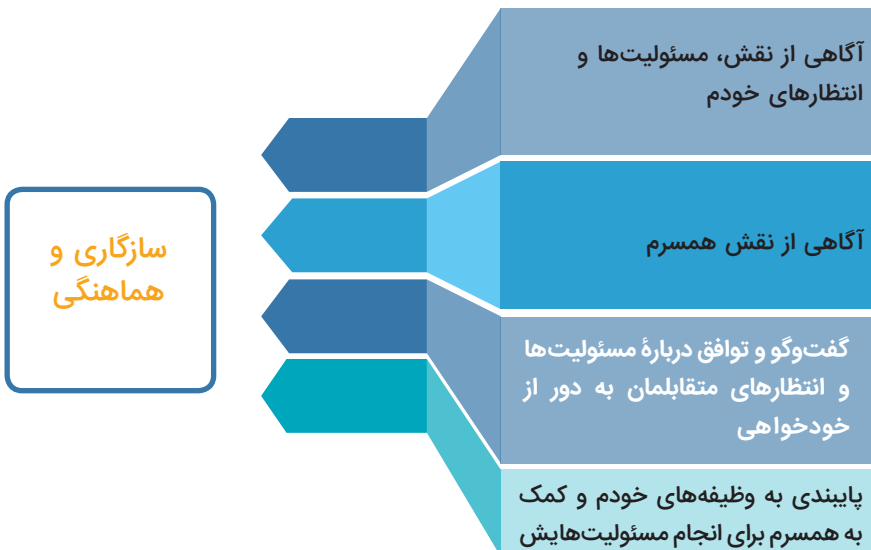
من و نقش جدیدم به عنوان همسر			
حوزه‌های موجود	مسئولیت‌های قبلی من در مورد ...	مسئولیت‌های جدید من در مورد ...	انتظارات جدید من از ...
خودم	نسبت به خودم شناخت کافی پیدا کنم.	نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی متفاوت در دو جنس، شناخت پیدا کنم.	بر اساس شناخت و آگاهی کسب شده، ...
والدینم			
همسرم			
خانواده همسرم			
اداره زندگی			

همسر و نقش جدیدش

انتظارات جدید او از ...	مسئولیت‌های جدید او در مورد ...	مسئولیت‌های قبلی او در مورد ...	حوزه‌های موجود
			من
			والدین من
			اداره زندگی

۲. درباره نوشته‌هایتان در کلاس گفت‌وگو کنید و به پاسخ پرسش‌های زیر بیندیشید:
 — به تفاوت‌هایی که میان نظرات افراد مختلف درباره انتظارات و مسئولیت‌ها پس از ازدواج وجود دارند، دقت کنید. این تفاوت‌ها چگونه ممکن است باعث اختلاف میان زوج شود و چطور می‌توان این اختلاف‌ها را حل کرد؟
 — فکر می‌کنید تا چه حد آنچه در این جدول‌ها نوشته‌اید، با واقعیت منطبق است؟ چه موضوع‌هایی را ممکن است در نظر نگرفته باشید؟

شکل زیر یک الگوی عملی را برای رسیدن به سازگاری در ازدواج نشان می‌دهد.





درس زندگی

در روایات آمده است که پس از تشکیل مبارک‌ترین پیوند روی زمین که بین دختر رسول خدا ﷺ و علی ابن ابی طالب علیه السلام شکل گرفت، امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه کبریٰ برای روشن تر شدن نقش و مسئولیت‌های خود در زندگی جدید، به پیامبر ﷺ مراجعه کردند و از ایشان خواستند که آنها را در این موضوع یاری کنند. بعد از گفت‌وگو با پیامبر ﷺ قرار بر این شد که مسئولیت کارهای خانه بر عهده حضرت زهرا علیها السلام باشد و تمامی کارهای بیرون از خانه را امیرالمؤمنین علیه السلام انجام دهند. بعد از این قرار پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمودند که تو نیز در کار خانه به همسرت کمک کن. در تاریخ ذکر شده است که هروقت امیرالمؤمنین علیه السلام از کار بیرون از خانه فارغ می‌شدند و به خانه باز می‌گشتند، به کمک همسرشان می‌شتافتند و در کار خانه ایشان را یاری می‌کردند؛ از درست کردن آتش و ورز دادن خمیر نان گرفته تا مراقبت از فرزندان و ...

نکته



در دین اسلام انجام دادن کارهای خانه فقط وظیفه زن نیست. ممکن است زن و مرد به طور ضمنی یا صریح توافق کنند که مسئولیت اصلی کار خانه به عهده زن باشد، اما مرد هم وظیفه دارد در حد توان به همسرش کمک کند.



درس زندگی

زندگی مشترک قرارداد تجاری نیست که هرکس فقط در حیطه تعهدات خودش رفتار کند.
پایه اصلی زندگی گذشت و همکاری است.
امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: زنان امانت‌های خدا نزد شما هستند. به ایشان آسیب نرسانید و بر آنها سخت نگیرید.
(مستدرک، ج ۲، ص ۵۵۱)



در جدول زیر برخی از مسئولیت‌های مربوط به یک زندگی جدید آمده است. با اینکه همسران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در همه کارهای خانواده نقش دارند، اما در برخی کارها یک نفر مسئول اصلی و دیگری کمک‌کننده است. به نظر شما در هر یک از این کارها کدام طرف مسئول اصلی است و در کدام یک هر دو مسئولیت یکسانی دارند؟

ردیف	حوزه‌ها	بیشتر وظیفه زن است	بیشتر وظیفه مرد است	وظیفه هر دو به طور یکسان
۱	رعایت احکام دینی و اصول اخلاقی در خانواده			
۲	انجام کارهای خانه			
۳	کسب درآمد			
۴	مدیریت هزینه‌ها			
۵	برنامه‌ریزی برای ارتباط با خانواده‌ها، خویشاوندان و دوستان			
۶	برنامه‌ریزی تفریح و سرگرمی (اوقات فراغت)			
۷	مراقبت و تربیت فرزند			
۸	تصمیم‌گیری درباره موضوع‌های مهم			
۹	حفظ تازگی و جذابیت روابط زناشویی			
۱۰	ایجاد فضای مناسب برای گفت‌وگو و تعامل با هم			
۱۱	نشان دادن احساسات و عواطف			

گفت و گو در کلاس



با توجه به آنچه در جدول نوشته‌اید، نظرات یکدیگر را در کلاس مقایسه کنید و ببینید که در چه مواردی باهم تفاوت دارند و ریشه این تفاوت‌ها در چه مسائلی است؟ (می‌توانید تعداد آرای هر بخش را در کلاس جمع بزنید).

دقت در انتخاب همسر ضروری است، اما ازدواج بنای پیش ساخته نیست. خانه‌ای است که آجر به آجر آن با تلاش و همکاری زوج جوان روی هم گذاشته و ساخته می‌شود.



درس زندگی

نکته



سطح‌های رابطه را از درس اول به خاطر بیاورید. زن و مردی که پس از ازدواج نقش‌های خود را به درستی نمی‌شناسند، در واقع در **سطح همکاری** مشکل دارند. پیداست که چنین زوجی نمی‌توانند به سطح‌های بالاتر رابطه برسند.



سطوح رابطه



آگاهی از تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و همچنین تفاوت در دیدگاه‌هایمان در مورد مسئولیت‌ها و انتظارات در زندگی مشترک، به ما کمک می‌کند تا بعد از ازدواج بتوانیم رابطه خود را به سطح‌های صمیمیت، عشق، مودت و رحمت برسانیم و از آن حفاظت کنیم. حتی در صورتی که طرفین، پیش از ازدواج، مسئله تناسب و کفویت را کاملاً در نظر گرفته و نسبت به هم شناخت کافی کسب کرده باشند، باز هم برای کسب هماهنگی در این مرحله باید تلاش کنند. در درس بعد در مورد راه‌های رسیدن به سازگاری در ازدواج سخن خواهیم گفت.

سوالاتی برای تفکر بیشتر



۱. کدام یک از مسئولیت‌های افراد پس از ازدواج برای شما تازگی خواهند داشت و تا به حال آنها را تجربه نکرده‌اید؟
۲. فکر می‌کنید که چه مقدار زمان نیاز است تا بتوانید در مسئولیت‌های جدید به مهارت برسید و از عهده تمام جوانب آن به خوبی بر بیایید؟ چه عواملی به شما در این مسیر کمک می‌کنند؟
۳. در زندگی اطرافیان خود به چه مواردی برخورد کرده‌اید که بی‌توجهی به تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و یا نداشتن درک متقابل از نقش‌های خود، موجب بروز مشکلاتی شده است؟